



پنجشنبه شانزدهم آبان ماه ۱۳۹۸

سال هفتاد و پنجم شماره ۲۱۷۴۱

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضائی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR

WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۱۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراءکننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۱	وزارت امور اقتصادی و دارایی	۱۳۹۸/۷/۲۱	قانون موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت مجارستان
۶	وزارت دادگستری	۱۳۹۸/۷/۲۱	قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن
۷	وزارت امور اقتصادی و دارایی	۱۳۹۸/۷/۲۱	قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان
۱۱	شعب دیوان عالی و سایر دادگاهها	۱۳۹۸/۵/۱۵	رای وحدت رویه شماره ۷۷۹ - ۱۳۹۸/۵/۱۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور
۱۳	شعب دیوان عالی و سایر دادگاهها	۱۳۹۸/۷/۲	رای وحدت رویه شماره ۷۸۰ - ۱۳۹۸/۷/۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور
۱۵	شعب دیوان عالی و سایر دادگاهها	۱۳۹۸/۶/۲۶	رای وحدت رویه شماره ۷۸۱ - ۱۳۹۸/۶/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اسلامی ایران و دولت مجارستان» که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و یکم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۸/۸/۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۳۷۳/۶۲۸۸۴ مورخ ۱۳۹۸/۸/۱۱ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده، جهت اجرا ابلاغ می‌گردد.

با توجه به اصل یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اجرای مفاد موافقتنامه منوط به انجام تشریفات مندرج در ماده (۱۶) موافقتنامه می‌باشد. رئیس جمهور - حسن روحانی

قانون موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری

بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت مجارستان

ماده واحده - موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت مجارستان مشتمل بر یک مقدمه و شانزده ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره ۱- رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷)، یکصد و بیست و پنجم (۱۲۵) و یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی در اجرای این موافقتنامه توسط دولت جمهوری اسلامی ایران الزامی است.

تبصره ۲- در اجرای جزء «ت» بند (۳) ماده (۲) موافقتنامه، رعایت اصول دوازدهم (۱۲) و سیزدهم (۱۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران الزامی است.

قوانین و مقررات عمومی

۱۳۹۸/۸/۱۱

شماره ۳۷۳/۶۲۸۸۴

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر حسن روحانی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۵۴۹۴۱/۱۳۵۵۲۶ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۷ در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت مجارستان که با عنوان لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود با تصویب در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۷/۲۱ و تأیید شورای نگهبان، به پیوست ابلاغ می‌گردد.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

۱۳۹۸/۸/۱۳

شماره ۱۰۰۷۹۰

وزارت امور اقتصادی و دارایی

در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست «قانون موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری

بسم الله الرحمن الرحيم

موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت مجارستان

مقدمه:

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت مجارستان که از این پس «طرفهای متعاقد» نامیده می‌شوند،

با علاقمندی به تحکیم همکاری‌های اقتصادی در جهت تأمین منافع متقابل هر دو طرف متعاقد،

با تصدیق اینکه این اهداف باید به ترتیبی بدست آیند که سازگار با ترغیب و حمایت از سلامت عمومی، محیط زیست، امنیت، ایمنی و توسعه پایدار همچنین ترویج حقوق کار به رسمیت شناخته شده بین‌المللی و اصول مسؤولیت اجتماعی شرکتها باشد،

با شناسایی حقوق و تکالیف طرفهای متعاقد در قاعده‌مند نمودن سرمایه‌گذاری در درون قلمروهای خود به منظور دستیابی به اهداف سیاست‌های قانونی،

با هدف حفظ توازن کلی حقوق و تعهدات بین سرمایه‌گذاران و دولت میزبان،

با هدف ایجاد و حفظ شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاران طرفهای

متعاقد در قلمرو یکدیگر،

به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱- تعاریف

از نظر این موافقتنامه:

۱- اصطلاح «سرمایه‌گذاری» عبارت از هر نوع دارایی است که توسط سرمایه‌گذار یکی از طرفهای متعاقد در قلمرو طرف متعاقد دیگر طبق قوانین و مقررات طرف متعاقد اخیر به کار گرفته شود و به ویژه شامل موارد زیر خواهد بود:

الف) اموال منقول و غیرمنقول و سایر حقوق عینی، از جمله رهن، حق حبس و وثیقه و حقوق مشابه،

ب) سهام، سهم‌الشرکه، سهام قرضه شرکتها یا هر نوع مشارکت دیگر در شرکتها،

پ) ادعا نسبت به پول یا هر فعالیت دارای ارزش اقتصادی در ارتباط با یک سرمایه‌گذاری،

ت) حقوق مالکیت فکری و صنعتی از جمله حق نشر، علائم تجاری، حق اختراع، طراحی‌ها، دانش فنی، اسرار تجاری، نشانه‌های جغرافیایی، اسامی تجاری و حسن شهرت تجاری مرتبط با یک سرمایه‌گذاری،

ث) هر حق اعطاء شده به موجب قانون یا قرارداد و هر پروانه و مجوز بر اساس قانون، از جمله حق اکتشاف، استخراج، کشت یا بهره‌برداری از منابع طبیعی.

هرگونه تغییر در شکلی که دارایی‌ها سرمایه‌گذاری می‌شوند، مشروط به اینکه تغییر مزبور طبق قوانین و مقررات طرف متعاقدی باشد که در قلمرو آن سرمایه‌گذاری انجام شده است، ماهیت آنها را به عنوان سرمایه‌گذاری تغییر نخواهد داد، به شرطی که این تغییرات در صورت لزوم، توسط مقام مسؤول دولت میزبان به تصویب رسیده باشد.

۲- اصطلاح «سرمایه‌گذار» به معنی هر شخص حقیقی و حقوقی یک طرف متعاقد است که در چهارچوب این موافقتنامه در قلمرو طرف متعاقد دیگر سرمایه‌گذاری نموده است:

الف) اصطلاح «شخص حقیقی» به معنی هر شخص حقیقی است که طبق قوانین هر یک از طرفهای متعاقد، تبعه آن طرف متعاقد به‌شمار آید و تابعیت دولت میزبان را دارا نباشد،

ب) اصطلاح «شخص حقوقی» در رابطه با هر یک از طرفهای متعاقد به معنی هر موجودیت حقوقی است که طبق قوانین آن تشکیل یا تأسیس شده و مرکز اداره یا محل اصلی کسب و کار آن با فعالیت‌های اساسی کسب و کار در قلمرو یک طرف متعاقد قرار داشته باشد.

«سرمایه‌گذار» باید دارای فعالیت‌های اساسی کسب و کار در قلمرو طرف متعاقد دیگر همراه با حضور فیزیکی قابل ملاحظه در ارتباط با سرمایه‌گذاری خود داشته باشد. «حضور فیزیکی قابل ملاحظه» برای مثال شامل دفاتر فروش بدون سایر امکانات اجرائی،

کسب و کارهای مبتنی بر صندوق پستی، یا سایر اقسام کسب و کار بدون حضور فیزیکی یا با حضور فیزیکی محدود نمی‌گردد.

۳- اصطلاح «عواید» به معنی وجوهی است که به طور قانونی از سرمایه‌گذاری حاصل شده باشد به‌ویژه از جمله منافع، هزینه‌های مالی، عواید سرمایه‌ای، سود سهام، کارمزد و حق‌الامتياز.

۴- اصطلاح «قلمرو» به معنی زیر خواهد بود:

الف) در مورد جمهوری اسلامی ایران، این اصطلاح به مناطقی اطلاق می‌شود که حسب مورد تحت حاکمیت یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران است و شامل مناطق دریایی آن نیز می‌شود.

ب) در مورد مجارستان، قلمرویی که مجارستان طبق حقوق بین‌الملل بر آنها اعمال حقوق حاکمیتی یا صلاحیت می‌نماید.

۵- اصطلاح «ارزی که آزادانه قابل تبدیل باشد» به معنی ارزی است که به طور گسترده برای پرداخت انتقالات بین‌المللی استفاده می‌گردد و به طور گسترده‌ای در بازارهای اصلی تبدیل ارز بین‌المللی مورد تبدیل قرار می‌گیرد مشروط به اینکه، به‌طور مستقل از نحوه تعیین دامنه تبدیل آزادانه یا آزادانه قابل تبدیل بودن ارز توسط صندوق بین‌المللی پول، بر خلاف مقررات هر یک از طرفهای متعاقد نباشد.

ماده ۲- تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری

۱- هر یک از طرفهای متعاقد در حدود قوانین و مقررات خود زمینه مناسب را جهت جلب سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاران طرف متعاقد دیگر در قلمرو خود فراهم خواهد آورد.

۲- هر طرف متعاقد همواره در قلمرو خود نسبت به سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاران طرف متعاقد دیگر و سرمایه‌گذاران در رابطه با سرمایه‌گذاری‌های آنها، رفتار منصفانه و عادلانه و حمایت و امنیت کامل را طبق بندهای (۳) الی (۶) اعمال خواهد کرد.

۳- نقض تعهد رفتار منصفانه و عادلانه موضوع بند (۲)، در صورتی ممکن است محقق شود که اقدام یا مجموعه‌ای از اقدامات موجب موارد زیر شود:

الف) استتکاف از احقاق حق در جریان رسیدگی‌های کیفری، مدنی یا اداری،

ب) نقض بنیادین فرآیند قانونی، از جمله نقض بنیادین شفافیت و موانع برای دسترسی مؤثر به عدالت در جریان رسیدگی‌های قضائی و اداری،

پ) رفتار خودسرانه آشکار،

ت) تبعیض هدفمند بر مبنایی که آشکارا نادرست است، از قبیل جنسیت، نژاد یا باور مذهبی، یا

ث) آزار وادیت، اجبار، سوء استفاده از قدرت و یا رفتار با سوءنیت مشابه.

۴- برای اطمینان بیشتر، «حمایت و امنیت کامل» به معنی تعهدات طرف متعاقد در رابطه با امنیت فیزیکی سرمایه‌گذاران و سرمایه‌گذاری‌ها می‌باشد.

۵- تعیین اینکه نقض مفاد دیگری از این موافقتنامه یا یک موافقتنامه بین‌المللی جداگانه صورت پذیرفته است، به معنی احراز نقض این ماده و اینکه رفتار منصفانه و عادلانه یا حمایت و امنیت کامل به موجب این ماده نقض شده است، نمی‌باشد.

۶- طرفهای متعاقد تصدیق می‌نمایند که تشویق سرمایه‌گذاری‌ها از طریق نادیده گرفتن اقدامات مربوط به استانداردهای اصلی کار، بهداشت عمومی، ایمنی یا محیط زیست صحیح نمی‌باشد. آنها صرفنظر کردن یا به‌گونه دیگری عدول از، یا پیشنهاد صرفنظر کردن یا به‌گونه دیگری عدول از چنین اقداماتی را به عنوان تشویق برای تأسیس، تحصیل، توسعه یا نگهداری سرمایه‌گذاری در قلمرو خود، مورد استفاده قرار نخواهند داد.

ماده ۳- رفتار ملی و رفتار ملل کامله‌الوداد

۱- هر طرف متعاقد در قلمرو خود نسبت به سرمایه‌گذاران طرف متعاقد دیگر و سرمایه‌گذاری‌های آنها و عواید سرمایه‌گذاری‌ها رفتاری را اعمال خواهد کرد که در شرایط مشابه نسبت به سرمایه‌گذاران خود یا سرمایه‌گذاری‌های آنها و عواید سرمایه‌گذاری‌ها در رابطه با مدیریت، اجرا، عملیات، حفظ، استفاده، بهره‌مندی و فروش یا سایر اقسام واگذاری سرمایه‌گذاری‌های آنها در قلمرو خود نامساعدتر نباشد.

۲- هر طرف متعاقد در قلمرو خود نسبت به سرمایه‌گذاران طرف متعاقد دیگر و سرمایه‌گذاری‌های آنها و عواید سرمایه‌گذاری‌ها رفتاری را اعمال خواهد کرد که در شرایط

ماده ۴- سرمایه‌گذاری و اقدامات نظارتی

۱- مفاد این موافقتنامه حق طرفهای متعاقد را برای وضع مقررات در قلمرو خود برای دستیابی به اهداف مشروع سیاست‌گذاری از طریق اقدامات ضروری، از قبیل حمایت از سلامت عمومی، ایمنی، محیط زیست یا اخلاق عمومی، حمایت اجتماعی یا حمایت از مصرف‌کننده یا تشویق و حمایت از تنوع فرهنگی تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. مفاد این موافقتنامه به گونه‌ای تفسیر نخواهد شد که تعهد یک طرف مبنی بر این باشد که شبکه حقوقی و نظارتی را از جمله به‌گونه‌ای تغییر نخواهد داد که ممکن است بر فعالیت سرمایه‌گذاری‌ها یا انتظارات سرمایه‌گذار برای کسب منفعت تأثیر منفی بگذارد.

۲- برای اطمینان بیشتر، صرف این واقعیت که یک طرف متعاقد مقررات وضع می‌نماید، از جمله از طریق تغییر قوانین و مقررات خود به نحوی که تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری داشته باشد یا با انتظارات سرمایه‌گذار از جمله انتظارات وی برای کسب منفعت تداخل نماید، منجر به نقض تعهد به موجب این موافقتنامه نمی‌شود.

۳- برای اطمینان بیشتر، تصمیم یک طرف متعاقد برای عدم صدور، تجدید یا حفظ یارانه یا کمک بلاعوض:

(الف) در صورت عدم وجود هر تعهد خاصی به موجب قانون یا قرارداد برای صدور، تجدید یا حفظ آن یارانه یا کمک بلاعوض، یا

(ب) اگر تصمیم - در صورت وجود - طبق ضوابط یا شرایط مربوط به صدور، تجدید یا حفظ یارانه یا کمک بلاعوض اتخاذ شده باشد، سبب نقض مفاد این موافقتنامه نمی‌شود.

۴- برای اطمینان بیشتر، هیچ یک از مفاد این موافقتنامه به نحوی تفسیر نمی‌شود که مانع یک طرف متعاقد برای ادامه ندادن به اعطای یارانه یا درخواست بازپرداخت آن در شرایطی گردد که این اقدام توسط دادگاه صلاحیت‌دار، محکمه اداری یا مقام صلاحیت‌دار دیگر دستور داده شده باشد، یا آن طرف متعاقد بر اساس آن ملزم به پرداخت غرامت به سرمایه‌گذار شده باشد.

ماده ۵- مصادره و جبران خسارت

۱- سرمایه‌گذاری‌ها و عواید حاصل از سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاران هر یک از طرفهای متعاقد توسط طرف متعاقد دیگر ملی، ضبط یا مصادره نخواهد شد یا تحت تدابیر مشابه قرار نخواهد گرفت، مگر آنکه اقدامات مزبور برای اهداف عمومی، به موجب فرآیند قانونی، به روش غیر تبعیض‌آمیز انجام پذیرد و غرامت مؤثر، مناسب و فوری پرداخت گردد. مبلغ غرامت بدون تأخیر پرداخت خواهد شد.

۲- غرامت ذکر شده در بند (۱) این ماده معادل ارزش بازاری سرمایه‌گذاری مصادره شده بلافاصله پیش از وقوع مصادره یا آگاهی عمومی از مصادره قریب‌الوقوع، هرکدام که زودتر است، خواهد بود و شامل هزینه مالی بر مبنای رویه بانکی بین‌المللی از روز سررسید پرداخت خسارت تا روز پرداخت واقعی خواهد بود و بدون تأخیر پرداخت خواهد شد، به‌طور مؤثر قابل شناسایی خواهد بود و به ارزی که آزادانه قابل تبدیل باشد قابل انتقال خواهد بود.

۳- تعیین این که اقدام یا مجموعه‌ای از اقدامات طرف متعاقد، اقدامات با اثر مشابه مصادره تلقی می‌شود یا نمی‌شود، مستلزم تحقیق مورد به مورد و مبتنی بر واقعیت است که موارد زیر را در نظر می‌گیرد:

(الف) اثر اقتصادی اقدام یا مجموعه‌ای از اقدامات، اگرچه این واقعیت که اقدام یا مجموعه‌ای از اقدامات طرف متعاقد اثر نامطلوب بر ارزش اقتصادی سرمایه‌گذاری داشته است، سبب نمی‌گردد که اقدام یا مجموعه‌ای از اقدامات مزبور، اقدامات دارای اثر مشابه با مصادره یا ملی شدن تلقی گردند.

(ب) حدی که تا آن، اقدام یا مجموعه‌ای از اقدامات، با انتظارات صریح، منطقی و مربوط به سرمایه‌گذاری که ناشی از تعهد مستقیم و ویژه الزام‌آور، صریح و مکتوب قبلی طرف متعاقد نسبت به سرمایه‌گذار است، تداخل می‌نماید.

(پ) خصوصیت اقدام یا مجموعه‌ای از اقدامات، از جمله ماهیت، محتوا، هدف، مدت و مبنای منطقی آنها.

۴- تدابیر غیرتبعیض‌آمیز طرف متعاقد که با هدف حمایت از اهداف مشروع رفاه عمومی، مانند سلامت، ایمنی و محیط زیست طراحی و اعمال شده‌اند، با حسن نیت اتخاذ

مشابه نسبت به سرمایه‌گذاران هر دولت ثالث یا سرمایه‌گذاری‌های آنها و عواید سرمایه‌گذاری‌ها در رابطه با مدیریت، اجراء، عملیات، حفظ، استفاده، بهره‌مندی و فروش یا سایر اقسام واگذاری سرمایه‌گذاری‌های آنها در قلمرو خود نامساعدتر نباشد.

۳- برای اطمینان بیشتر، «رفتار» موضوع بند (۲) این ماده شامل رویه‌های حل و فصل اختلاف‌های سرمایه‌گذاری بین سرمایه‌گذار و دولتها که در سایر پیمان‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری و سایر موافقتنامه‌ها پیش‌بینی شده است، نمی‌باشد. تعهدات اساسی در سایر پیمان‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری و سایر موافقتنامه‌های بازرگانی به خودی خود، «رفتار» را شکل نمی‌دهد و از این رو در نبود اقدامات اتخاذ یا اجراء شده توسط یک طرف بر اساس تعهدات مزبور نمی‌تواند منجر به نقض این ماده شود.

۴- مفاد رفتار ملی و رفتار کامله‌الوداد این موافقتنامه در مورد مزایای ارائه شده توسط یک طرف متعاقد به موجب تعهدات آن به عنوان عضو اتحادیه گمرکی، اقتصادی یا پولی، بازار مشترک یا منطقه آزاد تجاری اعمال نخواهد شد.

۵- مفاد این ماده به نحوی تفسیر نخواهد شد که یک طرف متعاقد را ملزم به تعمیم منافع ناشی از هر رفتار، ترجیح یا امتیاز به سرمایه‌گذاران طرف متعاقد دیگر یا سرمایه‌گذاری‌ها یا عواید سرمایه‌گذاری‌های این سرمایه‌گذاران نماید که ممکن است توسط طرف متعاقد نخست به موجب موارد زیر تعمیم داده شده باشد:

(الف) هر شکل از موافقتنامه‌های چندجانبه در زمینه سرمایه‌گذاری که هر یک از طرفهای متعاقد عضو آن شده یا خواهد شد،

(ب) هر ترتیبات یا موافقتنامه بین‌المللی که به طور کلی یا عمده مرتبط با مالیات باشد.

۶- برای اطمینان بیشتر، تعیین اینکه آیا یک سرمایه‌گذاری یا یک سرمایه‌گذار از نظر بندهای (۱) و (۲) این ماده در شرایط مشابه قرار دارد یا ندارد، بر اساس ارزیابی مجموع شرایط مرتبط با سرمایه‌گذار یا سرمایه‌گذاری از جمله موارد زیر انجام خواهد پذیرفت:

(الف) تأثیر سرمایه‌گذاری بر موارد زیر:

(۱) جامعه محلی که سرمایه‌گذاری در آنجا واقع شده است،

(۲) محیط زیست، از جمله آثاری که مربوط به اثر فزاینده ناشی از تمام سرمایه‌گذاری‌ها در یک حوزه صلاحیت قضائی می‌شود،

(ب) ویژگی اقدام از جمله ماهیت، هدف، مدت و مبنای منطقی آن،

(پ) مقرراتی که در مورد سرمایه‌گذاری‌ها یا سرمایه‌گذاران اعمال می‌گردد،

۷- اقدام یک طرف متعاقد که با سرمایه‌گذاران طرف متعاقد دیگر یا سرمایه‌گذاری‌های آنها نامساعدتر از موارد زیر رفتار می‌کند:

(الف) سرمایه‌گذاران خود یا سرمایه‌گذاری‌های آنها، ناسازگار با بند (۱) این ماده نمی‌باشد، یا

(ب) سرمایه‌گذاران دولت دیگر یا سرمایه‌گذاری‌های آنها، ناسازگار با بند (۲) این ماده نمی‌باشد. مشروط بر اینکه اقدام مذکور در پرتو هدف عمومی مشروعی که به صراحت یا در واقع بر مبنای تابعیت سرمایه‌گذار یا تابعیت مالک سرمایه‌گذاری نباشد از جمله حمایت از سلامتی، ایمنی، محیط زیست و حقوق کار به رسمیت شناخته شده داخلی و بین‌المللی یا محو رشوه و فساد توسط یک طرف متعاقد وضع و اجراء شده باشد و ارتباط منطقی با هدف بیان شده داشته باشد.

۸- بند (۲) این ماده در موارد زیر اعمال نخواهد شد:

(الف) رفتار یک طرف متعاقد به موجب هر موافقتنامه دوجانبه یا چند جانبه بین‌المللی که پیش از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این موافقتنامه توسط آن طرف متعاقد به امضاء رسیده یا لازم‌الاجراء شده است،

(ب) رفتار یک طرف متعاقد بر اساس:

(۱) موافقتنامه دوجانبه یا چند جانبه که تأسیس کننده، تقویت‌کننده یا توسعه بخش منطقه آزاد تجاری، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک، بازار کار، تعهد به یکپارچه‌سازی یا موافقتنامه مشابه بین‌المللی باشد یا،

(۲) قرارداد سرمایه‌گذاری که به منظور تشویق سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذار بین دولت سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار مزبور منعقد شده است یا،

(پ) برای اجتناب از هرگونه تردید، هر یک از مفاد ماده (۱۴) این موافقتنامه.

شده باشند، خودسرانه نبوده، و با توجه به اهداف آنها نامتناسب نباشند، نمی‌توانند به نحوی تعبیر شوند که به عنوان اقدامات دارای اثر مشابه با مصادره یا ملی شدن تلقی شوند.

ماده ۶- جبران خسارت

۱- اگر سرمایه‌گذاری‌ها یا عواید حاصل از سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاران هر یک از طرفهای متعاقد به علت جنگ، مخاصمه مسلحانه، یا حالت اضطراری ملی، انقلاب، شورش، هرج و مرج یا حوادث مشابه در قلمرو طرف متعاقد دیگر دچار خسارت شود، از رفتاری که نسبت به رفتار طرف متعاقد اخیر با سرمایه‌گذاران خود یا سرمایه‌گذاران هر کشور ثالث نامساعدتر نباشد، هر کدام که برای سرمایه‌گذار مورد نظر در خصوص اعاده، جبران خسارت، پرداخت غرامت یا طریق دیگر حل و فصل مساعدتر باشد، برخوردار خواهد بود.

۲- بدون لطمه به بند (۱) این ماده، سرمایه‌گذاران یک طرف متعاقد که در هر یک از وقایع مورد اشاره در آن بند متحمل خسارت‌هایی در قلمرو طرف متعاقد دیگر می‌شوند که ناشی از موارد زیر باشد:

(الف) ضبط سرمایه‌گذاری آنها یا قسمتی از آن توسط نیروها یا مقامات آن طرف،
(ب) تخریب سرمایه‌گذاری آنها یا قسمتی از آن توسط نیروها یا مقامات آن طرف، که ناشی از عملیات جنگی یا ضرورت موقعیت نباشد،

توسط طرف متعاهدی که در قلمرو آن دچار زیان شده است، مشمول اعاده مال یا پرداخت خسارت خواهند شد که سریع، مناسب و مؤثر، بدون تأخیر غیر موجه خواهد بود.

ماده ۷- انتقالات

۱- طرف‌های متعاقد انتقال آزاد پرداخت‌های مربوط به سرمایه‌گذاری‌ها و عواید را اجازه خواهند داد. انتقالات به ارزی که آزادانه قابل تبدیل باشد و طبق قوانین و مقررات طرف متعاهدی که سرمایه‌گذاری‌ها در آن انجام پذیرفته، بدون هرگونه محدودیت و تأخیر غیر موجه انجام خواهد پذیرفت. انتقالات مزبور به ویژه، هرچند نه به طور انحصاری، شامل موارد زیر می‌شوند:

(الف) سرمایه و وجوه اضافی برای حفظ یا افزایش سرمایه‌گذاری،
(ب) عواید طبق تعریف بند (۳) ماده (۱) این موافقتنامه،
(پ) وجوه مورد نیاز برای پرداخت هزینه‌هایی که ناشی از فعالیت سرمایه‌گذاری، مانند پرداخت حق الامتیازها و هزینه‌های مجوز یا هزینه‌های مشابه باشد،
(ت) پرداخت‌های مرتبط با قراردادهای، از جمله موافقتنامه‌های وام،
(ث) مبالغ حاصل از فروش یا تصفیه تمام یا قسمتی از سرمایه‌گذاری،
(ج) دستمزدها یا سایر درآمدهای مشابه اشخاص حقیقی استخدام‌شده از خارج کشور در ارتباط با سرمایه‌گذاری، با رعایت قوانین و مقررات طرف متعاهدی که سرمایه‌گذاری در آن انجام شده است،

(چ) مبلغ غرامت به موجب مواد (۵) و (۶) این موافقتنامه،
(ح) وجوه پرداختی ناشی از حل و فصل یک اختلاف به موجب ماده (۱۴) این موافقتنامه.
۲- انتقالات پس از آن انجام خواهد شد که سرمایه‌گذار تمام تعهدات مالی مربوط به خود را طبق قوانین لازم‌الاجرای طرف متعاهدی که در قلمرو آن سرمایه‌گذاری صورت پذیرفته، ایفاء نموده باشد.

۳- هیچ یک از مفاد این ماده به نحوی تفسیر نخواهد شد که مانع یک طرف متعاقد در اعمال عادلانه و غیر تبعیض‌آمیز قوانین خود و به نحوی که سبب ایجاد محدودیت پنهان در مورد انتقالات نگردد، در ارتباط با موارد زیر شود:

(الف) ورشکستگی، عسر و حرج یا حمایت از حقوق بستانکاران،
(ب) صدور، مبادله یا معامله اوراق بهادار،
(پ) تخلفات جزایی یا کیفری،
(ت) گزارش‌دهی مالی یا حفظ سوابق انتقالات هرگاه برای کمک به مراجع نظارتی مالی یا مجری قانون ضروری باشد،
(ث) تأمین اجتماعی، بازنشستگی عمومی و برنامه‌های پس‌انداز اجباری،
(ج) اجرای احکام در جریان رسیدگی‌های قضائی.

۴- از نظر این موافقتنامه، نرخ تبدیل ارز، نرخ منتشرشده توسط مؤسسه مالی خواهد بود که انتقال را طبق قوانین و مقررات طرف متعاهدی انجام می‌دهد که

سرمایه‌گذاری را پذیرش نموده است، مگر آنکه به نحو دیگری توافق شده باشد. چنانچه این نرخ وجود نداشته باشد نرخ رسمی باید اعمال شود مگر آنکه به نحو دیگری توافق شده باشد.

ماده ۸- جانشینی

۱- هرگاه یک طرف متعاقد یا مؤسسه تعیین‌شده توسط آن پرداختی به موجب یک تضمین یا بیمه به سرمایه‌گذار خود در خصوص سرمایه‌گذاری در قلمرو طرف متعاقد دیگر نماید، طرف متعاقد اخیر موارد زیر را شناسایی می‌نماید:

(الف) واگذاری هر حق یا ادعا توسط سرمایه‌گذار طرف متعاقد نخست یا مؤسسه تعیین‌شده توسط آن اعم از اینکه به موجب قانون یا بر اساس داد و ستد قانونی در آن کشور صورت پذیرفته باشد، همچنین،

(ب) طرف متعاقد نخست یا مؤسسه تعیین‌شده توسط آن به موجب جانشینی مستحق اعمال حقوق و اجرای ادعاهای آن سرمایه‌گذار می‌باشد و تعهدات مربوط به سرمایه‌گذاری را بر عهده می‌گیرد.

۲- حقوق یا ادعاهای جانشین‌شده بیش از حقوق یا ادعاهای اولیه سرمایه‌گذار نخواهد بود.

ماده ۹- منع برخورداری از منافع

یک طرف متعاقد می‌تواند مانع برخورداری سرمایه‌گذار طرف متعاقد دیگر که شخص حقوقی است و سرمایه‌گذاری‌های آن سرمایه‌گذار از منافع این موافقتنامه شود، اگر سرمایه‌گذاران دولت ثالث مالک و کنترل‌کننده سرمایه‌گذار ذکر شده اول باشد و:

(الف) سرمایه‌گذار دارای فعالیت عمده کسب و کار در قلمرو طرف متعاهدی که به موجب قوانین آن تأسیس شده است، نباشد،

(ب) طرف متعاقد منع‌کننده در مورد دولت ثالث اقداماتی را اتخاذ یا برقرار نماید که داد و ستد با چنین سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری‌های آن را منع کند یا چنانچه منافع این موافقتنامه به سرمایه‌گذاری‌های چنین سرمایه‌گذاری داده شود، نقض یا نادیده گرفتن اقدامات مذکور باشد.

ماده ۱۰- استثنائات عمومی

۱- با رعایت این الزام که اقدامات زیر به نحوی اعمال نشوند که موجب تبعیض خودسرانه یا غیرقابل توجیه بین سرمایه‌گذاری‌ها یا سرمایه‌گذاران شود، هیچ یک از مفاد این موافقتنامه به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که مانع یک طرف متعاقد برای اتخاذ یا انجام اقدامات ضروری برای موارد زیر شود:

(الف) حمایت از امنیت یا اخلاق عمومی یا حفظ نظم عمومی،
(ب) حمایت از زندگی یا سلامت انسان، حیوان یا گیاه،
(پ) تضمین رعایت قوانین و مقررات، یا
(ت) حفاظت از منابع طبیعی زنده یا غیرزنده تمام شدنی.

۲- هیچ یک از مفاد این موافقتنامه مانع طرف متعاقد برای اتخاذ یا حفظ اقدامات متعارف به دلایل احتیاطی از جمله موارد زیر نخواهد شد:

(الف) حفظ ایمنی، صحت و یکپارچگی یا مسؤولیت مالی مؤسسات مالی،
(ب) تضمین یکپارچگی و ثبات نظام مالی طرف متعاقد.

۳- (الف) هیچ چیز در این موافقتنامه به نحوی تفسیر نخواهد شد که مانع از اتخاذ یا حفظ اقداماتی توسط یک طرف متعاقد شود که نقل و انتقالات را محدود می‌نماید، وقتی که آن طرف متعاقد مشکلات جدی در تراز پرداخت یا تهدید ناشی از آن را تجربه می‌نماید و این محدودیت‌ها سازگار با بند (ب) می‌باشند.

(ب) اقدامات موضوع جزء (الف) باید عادلانه باشند و خودسرانه یا به نحو غیر قابل توجیهی تبعیض‌آمیز نباشند و همراه با حسن نیت بوده، دارای مدت زمان محدودی باشند و نباید فراتر از آنچه برای جبران وضعیت تراز پرداختها ضروری است، باشند. طرف متعاهدی که اقداماتی را به موجب این ماده وضع می‌نماید، در اسرع وقت ممکن برنامه زمان‌بندی برای رفع آنها را ارائه خواهد نمود. این اقدامات طبق سایر تعهدات بین‌المللی طرف متعاقد ذی‌ربط، از جمله تعهدات ناشی از اساسنامه صندوق بین‌المللی پول خواهد بود.

۴- مفاد این موافقتنامه در مورد بیمه سلامت عمومی، یا طرحهای بازنشستگی عمومی اعمال نخواهد شد.

۵ - حل و فصل اختلاف طبق ماده (۱۴) به عنوان رفتار، ترجیح یا امتیاز در نظر گرفته نمی‌شود.

ماده ۱۱- منافع مهم امنیتی

۱- هیچ‌یک از مفاد این موافقتنامه به نحوی تعبیر نخواهد شد که:

(الف) هر طرف متعاقد را ملزم به ارائه یا اجازه دسترسی به هرگونه اطلاعاتی نماید که افشای آن را برخلاف منافع مهم امنیتی خود می‌داند، یا

(ب) مانع هر طرف متعاقد برای اتخاذ هر اقدامی شود که آن را برای حمایت از منافع مهم امنیتی خود در موارد زیر ضروری می‌داند:

(۱) قاچاق سلاح، مهمات و تجهیزات جنگی و داد و ستد سایر کالاها، مواد، خدمات و فن‌آوری که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به منظور تأمین تأسیسات نظامی یا دیگر تأسیسات امنیتی به کار برده می‌شود،

(۲) اقدامات اتخاذشده در زمان جنگ یا دیگر حالت‌های اضطراری در روابط بین‌الملل، یا (۳) اجرای سیاست‌های ملی یا موافقتنامه بین‌المللی در ارتباط با عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای.

۲- منافع مهم امنیتی یک طرف متعاقد می‌تواند شامل منافع و اقدامات ناشی از عضویت آن طرف متعاقد در اتحادیه گمرکی، اقتصادی یا پولی، بازار مشترک یا منطقه آزاد تجاری باشد.

ماده ۱۲- قابلیت اجرای موافقتنامه

۱- این موافقتنامه در مورد همه سرمایه‌گذاران و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده سرمایه‌گذاران هریک از طرف‌های متعاقد در قلمرو طرف متعاقد دیگر که طبق قوانین و مقررات آن پذیرفته شده است، اعم از اینکه پیش یا پس از لازم‌الاجراء شدن این موافقتنامه انجام شده باشند، اعمال خواهد شد، اما نسبت به هر گونه اختلاف یا ادعای مربوط به سرمایه‌گذاری که پیش از لازم‌الاجراء شدن آن حسب مورد ایجاد شده یا حل و فصل شده باشد، اعمال نخواهد شد.

در مورد جمهوری اسلامی ایران این موافقتنامه فقط در مورد سرمایه‌گذاری‌هایی اعمال می‌شود که به تصویب مرجع صلاحیتدار یعنی سازمان سرمایه‌گذاری و کمپهای اقتصادی و فنی ایران یا هر مرجع دیگری برسد که ممکن است جایگزین آن شود.

۲- برای اطمینان بیشتر، این موافقتنامه فقط رفتار و حمایت پس از تأسیس را فراهم خواهد نمود و دوره پیش از تأسیس یا امور مربوط به دسترسی به بازار را تحت پوشش قرار نمی‌دهد.

ماده ۱۳- شفافیت و انتشار اطلاعات

۱- هر طرف متعاقد قوانین و مقررات عمومی خود همچنین موافقتنامه‌های بین‌المللی که می‌تواند سرمایه‌گذارهای سرمایه‌گذاران طرف متعاقد دیگر در قلمرو طرف متعاقد نخست را تحت تأثیر قرار دهد، منتشر یا به نحو دیگری در دسترس عموم قرار خواهد داد.

۲- هیچ‌یک از مفاد این ماده طرف متعاقد را ملزم به ارائه یا اجازه دسترسی به هرگونه اطلاعات محرمانه یا خصوصی از جمله اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاران یا سرمایه‌گذاری‌های خاصی نخواهد کرد که افشای آن مانع اجرای قانون می‌شود یا برخلاف قوانین داخلی حمایت از محرمانگی است یا به منافع مشروع تجاری سرمایه‌گذاران خاص لطمه وارد می‌نماید.

ماده ۱۴- حل و فصل اختلاف‌ها بین

یک طرف متعاقد و سرمایه‌گذار (سرمایه‌گذاران) طرف متعاقد دیگر

۱- چنانچه اختلافی میان طرف متعاقد سرمایه‌پذیر و یک یا چند سرمایه‌گذار طرف متعاقد دیگر درباره یک سرمایه‌گذاری بروز کند، طرف متعاقد سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار (سرمایه‌گذاران) مزبور در ابتدا تلاش خواهند کرد که اختلاف را از طریق مشاوره و بصورت دوستانه حل و فصل کنند.

۲- مشاوره از تاریخی آغاز می‌شود که سرمایه‌گذار طرف اختلاف یک طرف متعاقد از طریق اطلاعیه کتبی درخواست مشاوره از طرف متعاقد دیگر نموده است. به منظور

تسهیل حل و فصل دوستانه اختلاف، اطلاعیه کتبی موضوعات، مبانی واقعی اختلاف، یافته‌های سرمایه‌گذار طرف اختلاف (از جمله هر سند پشتیبان) و مبانی حقوقی مفروض را مشخص می‌نماید. حداقل یک مشاوره در مدت نود روز از تاریخی که سرمایه‌گذار طرف اختلاف یک طرف متعاقد از طریق اطلاعیه کتبی از طرف متعاقد دیگر درخواست نموده، برگزار می‌گردد، مگر آنکه به نحو دیگری توافق شده باشد.

۳- اگر اختلاف بین سرمایه‌گذار یک طرف متعاقد و طرف متعاقد دیگر ظرف مدت شش ماه از تاریخ دریافت اطلاعیه مکتوب بدین ترتیب حل و فصل نگردد، هرکدام از آنها، هم‌زمان با اعلام کتبی به طرف دیگر، می‌تواند اختلاف را به هریک از موارد زیر ارجاع نماید:

(الف) دادگاه صلاحیت‌دار طرف متعاقدی که در قلمرو آن سرمایه‌گذاری انجام شده است، یا

(ب) دیوان داوری موردی که طبق قواعد داوری کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (آنسیترال) تأسیس شده باشد. طرف‌های اختلاف می‌توانند به طور کتبی برای تغییر آن قواعد توافق نمایند.

(پ) هر شکل دیگر حل و فصل اختلاف که توسط طرف‌های اختلاف مورد توافق قرار گرفته باشد.

۴- هنگامی که یک اختلاف به دادگاه یا دیوان داوری اشاره شده در جزه‌های (الف) تا (پ) بند (۳) ارجاع شده است، سرمایه‌گذار نمی‌تواند به سایر گزینه‌های حل و فصل اختلاف فهرست شده در جزه‌های (الف) تا (پ) بند (۳) متوسل گردد.

۵ - سرمایه‌گذار فقط در صورتی می‌تواند اختلاف موضوع بندهای (۱) و (۲) را طبق بند (۳) به داوری ارجاع نماید، که بیش از دو سال از تاریخی که نقض ادعایی اتفاق افتاده، نگذشته باشد. اگر خواهان نتواند ظرف این دوره زمانی ادعایی را اقامه نماید، چنین تلقی خواهد شد که از حقوق خود برای طرح دعوی صرف‌نظر کرده است و نمی‌تواند دعوی را به موجب این ماده به داوری ارجاع نماید.

۶ - داوران منصوب شده در دیوان داوری به موجب این ماده باید در حقوق بین‌الملل عمومی، به‌ویژه حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری دارای تخصص یا تجربه باشند. مطلوب است آنها تخصص یا تجربه در حل و فصل اختلاف‌های ناشی از موافقتنامه‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری را داشته باشند.

۷- داوران و کارمندان و دستیاران آنها باید مستقل باشند و نباید وابسته یا در خصوص امور سرمایه‌گذاری دستور گیرنده از خواهان یا خواننده یا دولت یک طرف متعاقد باشند. داوران نباید از هیچ سازمان، دولت یا طرف‌های دعوی در خصوص امور مربوط به اختلاف دستور بگیرند. آنها نباید در بررسی هر اختلافی شرکت نمایند که ممکن است به طور مستقیم یا غیر مستقیم تضاد منافع ایجاد نماید. به‌علاوه آنها باید از فعالیت به عنوان مشاور حقوقی یا کارشناس منصوب‌شده توسط یک طرف یا شاهد در هر اختلاف در حال رسیدگی یا جدید در زمینه حمایت از سرمایه‌گذاری به موجب این موافقتنامه یا هر موافقتنامه دیگر یا قانون محلی امتناع نمایند.

۸ - قواعد حاکم داوری تا حدی که توسط این ماده یا طبق این موافقتنامه تغییر نموده است، ناظر بر داوری خواهد بود.

۹- دیوان داوری تأسیس شده به موجب این ماده در مورد موضوعات مورد اختلاف طبق موارد زیر تصمیم‌گیری خواهد نمود:

(الف) این موافقتنامه؛ و

(ب) قواعد حاکم و اصول حقوق بین‌الملل.

۱۰- دیوان داوری موضوع جزه‌های (ب) و (پ) بند (۳) صلاحیت تعیین قانونی بودن یک اقدام به موجب قانون داخلی یک طرف که ادعا می‌شود سبب نقض این موافقتنامه شده است را ندارند. برای اطمینان بیشتر، دیوان می‌تواند در صورت اقتضا، قانون محلی یک طرف را به عنوان امر موضوعی جهت تعیین سازگار بودن یک اقدام با این موافقتنامه در نظر بگیرد. در انجام این کار، دیوان داوری از تفسیر غالبی که توسط دادگاهها یا مقامات آن طرف از قانون محلی ارائه شده، پیروی خواهد نمود و هر معنی داده شده به قانون داخلی توسط دیوان برای دادگاهها و مقامات آن طرف لازم‌الاتباع نخواهد بود.

منطقه‌ای یا موافقتنامه بین‌المللی مشابه فعلی یا آتی مانند اتحادیه اروپا اعمال خواهد شد. در نتیجه مفاد این موافقتنامه به صورت کلی یا جزئی به نحوی استناد یا تفسیر نخواهد شد که تعهدات طرف‌های متعاقد ناشی از چنین عضویت یا مشارکتی را بی‌اعتبار، اصلاح یا به نحو دیگری تحت تاثیر قرار دهد.

۲- این موافقتنامه توسط مقامات صلاحیت‌دار هر طرف متعاقد طبق قوانین و مقررات آنها به تصویب خواهد رسید. طرفهای متعاقد از طریق مجاری دیپلماتیک به یکدیگر اعلام خواهند کرد که تشریفات داخلی ضروری برای لازم‌الاجراء شدن این موافقتنامه رعایت شده است. این موافقتنامه شصت روز پس از دریافت اطلاعیه مؤخر لازم‌الاجراء می‌گردد.

۳- این موافقتنامه برای یک دوره ده ساله لازم‌الاجراء باقی خواهد ماند و پس از آن، همچنان لازم‌الاجراء خواهد بود مگر آنکه یکی از طرفهای متعاقد خاتمه موافقتنامه را به‌طور کتبی حداقل یک‌سال پیش از پایان دوره ده ساله اول یا هر زمانی پس از آن به‌طرف متعاقد دیگر اعلام نماید. این موافقتنامه دوازده ماه از تاریخی خاتمه خواهد یافت که در آن هریک از طرفهای متعاقد اطلاعیه کتبی خاتمه را به طرف متعاقد دیگر ارائه نموده باشد.

۴- در مورد سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده پیش از تاریخ خاتمه این موافقتنامه، مفاد این موافقتنامه برای یک دوره زمانی ده (۱۰) ساله از تاریخ خاتمه معتبر خواهد بود.

۵- این موافقتنامه را می‌توان با موافقت کتبی بین طرفهای متعاقد اصلاح نمود. هر اصلاح بخشی جدایی‌ناپذیر از موافقتنامه خواهد بود و به موجب همان رویه‌ای لازم‌الاجراء می‌گردد که برای لازم‌الاجراء شدن این موافقتنامه مقرر شده است.

در تأیید مراتب فوق، امضاءکنندگان زیر که بدین منظور به طور مقتضی مجاز می‌باشند، این موافقتنامه را امضاء نموده‌اند.

این موافقتنامه در تهران در تاریخ ۱۳ آذرماه سال ۱۳۹۶ (شمسی خورشیدی) برابر با ۴ دسامبر سال ۲۰۱۷ (میلادی) در دو نسخه به زبانهای فارسی، مجاری و انگلیسی تنظیم‌شده و همه متون از اعتبار یکسان برخوردار می‌باشند. در صورت هر گونه اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی ملاک خواهد بود.

از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران	از طرف دولت مجارستان
مسعود کرباسیان	ویهالی وارگا
وزیر امور اقتصادی و دارایی	وزیر اقتصاد ملی

قانون فوق مشتمل بر ماده‌واحد و دو تبصره منضم به متن موافقتنامه، شامل مقدمه و شانزده ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و یکم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۸/۸/۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

شماره ۳۷۹/۶۲۸۵۹

۱۳۹۸/۸/۱۱

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر حسن روحانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن که با عنوان طرح به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود، با تصویب در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۷/۲۱ و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می‌شود.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

شماره ۱۰۰۷۹۳

۱۳۹۸/۸/۱۳

وزارت دادگستری

در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن» که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و یکم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و هشت مجلس شورای اسلامی

۱۱- تفسیر مشترک طرفهای متعاقد، که از طرق مجاری دیپلماتیک تبادل شده و مفادی از این موافقتنامه را تفسیر می‌نماید، برای دیوان داوری لازم‌الاتباع خواهد بود و هر تصمیم یا حکم صادره توسط دیوان باید با آن تفسیر سازگاری داشته باشد.

۱۲- احکام دیوان داوری برای طرفهای اختلاف نهائی و لازم‌الاتباع خواهد بود و طبق قانون طرف متعاقدی اجراء می‌گردد که در قلمرو آن سرمایه‌گذاری انجام شده است و حکم از تاریخی که در رأی ذکرشده قابل اتکاء است.

۱۳- در مورد جریان‌های رسیدگی داوری که به موجب این موافقتنامه علیه مجارستان مطرح شده باشد، قواعد آنسترال در زمینه شفافیت در داوری مبتنی بر معاهده بین سرمایه‌گذار و دولت اعمال خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران اعمال قواعد آنسترال در زمینه شفافیت در داوری مبتنی بر معاهده بین سرمایه‌گذار و دولت را در مورد جریان‌های رسیدگی داوری که به موجب این موافقتنامه علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح شده باشد را به‌طور مقتضی بررسی خواهد نمود. هیچ‌یک از مفاد این موافقتنامه یا قواعد حاکم داوری مانع از تبادل اطلاعات مربوط به اختلاف بین اتحادیه اروپا و مجارستان یا بالعکس نخواهد شد.

۱۴- به محض لازم‌الاجراء شدن یک موافقتنامه بین‌المللی بین طرفهای متعاقد که در آن، دیوان چندجانبه سرمایه‌گذاری و یا ساز و کار چندجانبه فرجام‌خواهی قابل اعمال در مورد اختلاف‌ها به موجب این موافقتنامه پیش‌بینی شده باشد، بخشهای مرتبط در این موافقتنامه، اعمال نخواهند شد.

ماده ۱۵- حل و فصل اختلاف‌های بین طرفهای متعاقد

۱- اختلاف‌های بین طرفهای متعاقد ناشی از اجراء یا تفسیر این موافقتنامه، در صورت امکان، از طریق مشاوره یا مذاکره حل و فصل خواهد شد.

۲- اگر اختلاف ظرف مدت شش ماه بدین ترتیب حل و فصل نشود، بنا به درخواست هر طرف متعاقد به یک دیوان داوری متشکل از سه عضو طبق مفاد این ماده ارجاع خواهد شد.

۳- دیوان داوری برای هر مورد اختلاف به روش زیر تشکیل خواهد شد. ظرف مدت دو ماه (شصت روز) از تاریخ دریافت درخواست داوری، هر طرف متعاقد یک عضو دیوان را تعیین خواهد نمود. این دو عضو سپس تبعه یک دولت ثالث را انتخاب خواهند نمود که به عنوان ریاست دیوان تعیین خواهد شد (از این پس رئیس دیوان خوانده می‌شود). رئیس دیوان ظرف مدت سه ماه از تاریخ انتخاب دو عضو دیگر انتخاب خواهد شد. رئیس دیوان باید تابعیت دولتی را داشته باشد که در زمان انتخاب با هر دو طرف متعاقد روابط سیاسی دارد.

۴- اگر ظرف مدت زمانهای تعیین شده در بند (۳) این ماده، انتخاب‌های ضروری انجام نشده باشد، می‌توان از رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست نمود که انتخابها را انجام دهد. اگر رئیس تبعه هریک از طرفهای متعاقد باشد، یا اگر رئیس از انجام وظیفه مذکور معذور باشد، از معاون رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری دعوت خواهد شد تا انتخابها را انجام دهد. چنانچه معاون رئیس نیز تبعه هریک از طرفهای متعاقد باشد یا از انجام وظیفه مذکور معذور باشد، از عضو ارشد بعدی دیوان بین‌المللی دادگستری که تابعیت هیچ‌یک از طرفهای متعاقد را ندارد دعوت خواهد شد تا انتخابها را انجام دهد.

۵- دیوان داوری تصمیم خود را با اکثریت آراء اتخاذ خواهد نمود.

۶- هیأت داوری رأی خود را براساس مفاد این موافقتنامه همچنین قواعد حاکم و اصول حقوق بین‌الملل صادر خواهد نمود.

۷- هیأت داوری با توجه به سایر مواردی که طرفهای متعاقد توافق نموده‌اند آئین کار خود را تعیین خواهد نمود.

۸- هرطرف متعاقد هزینه داور و نمایندگی خود در جریان رسیدگی داوری را بر عهده خواهد گرفت، هزینه رئیس دیوان و هزینه‌های باقیمانده به طور مساوی برعهده طرفهای متعاقد خواهد بود. دیوان داوری می‌تواند مقررات متفاوتی را در مورد هزینه‌ها تعیین نماید.

۹- تصمیم‌های دیوان برای هریک از طرف متعاقد لازم‌الاتباع است.

ماده ۱۶- مقررات نهائی، لازم‌الاجراء شدن، مدت، خاتمه و اصلاحات

۱- این موافقتنامه بدون لطمه به تعهدات طرفهای متعاقد ناشی از عضویت یا مشارکت آنها در هر اتحادیه گمرکی، اتحادیه اقتصادی، موافقتنامه یکپارچه‌سازی اقتصادی

تصویب و در تاریخ ۱۳۹۸/۸/۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۳۷۹/۶۲۸۵۹ مورخ ۱۳۹۸/۸/۱۱ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده، جهت اجرا ابلاغ می‌گردد.
رئیس جمهور - حسن روحانی

قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن

ماده ۱- هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر، با هر میزان غلظت موجب جنایت بر نفس، عضو یا منفعت شود در صورت مطالبه از ناحیه مجنی‌علیه یا ولی دم حسب مورد با رعایت شرایط مقرر در کتاب قصاص، به قصاص نفس، عضو یا منفعت محکوم می‌شود.

تبصره ۱- ریختن اسید یا سایر ترکیبات شیمیایی بر روی فرد، فرو بردن اعضای بدن در درون اسید و اعمالی نظیر آن در حکم اسیدپاشی است.

تبصره ۲- در مواردی که اسیدپاشی مشمول مقررات ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ باشد؛ اقدام مرتکب، افساد فی الارض محسوب و به مجازات آن محکوم می‌شود.

ماده ۲- هرگاه شخصی مرتکب جرم موضوع این قانون شود و مجازات آن قصاص نباشد یا به هر علتی مانند مصالحه اولیای دم، قصاص اجراء نشود، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه یا ارش یا وجه‌المصالحه حسب مورد مطابق مقررات مربوطه، به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

الف - در جنایت بر نفس و جنایت منجر به تغییر شکل دائمی صورت بزه‌دیده به حبس تعزیری درجه یک؛

ب - در جنایتی که میزان دیه آن بیش از نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه دو؛

پ - در جنایتی که میزان دیه آن از یک‌سوم تا نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه سه؛

ت - در جنایتی که میزان دیه آن تا یک‌سوم دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه چهار؛

ماده ۳- در مورد جرائم موضوع این قانون و شروع به آن، مقررات مربوط به آزادی مشروط، تعلیق و تخفیف مجازات قابل اعمال نیست مگر آنکه بزه‌دیده یا اولیای دم نسبت به مجازات تعزیری مرتکب نیز اعلام گذشت کرده باشند که در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را یک درجه تخفیف دهد.

ماده ۴- مجازات معاونت در جرائم موضوع این قانون به ترتیب زیر تعیین می‌شود:
الف - در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، سلب حیات باشد، به حبس تعزیری درجه دو؛

ب - در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، قصاص عضو باشد، به حبس تعزیری درجه سه؛

پ - در صورتی که مجازات مرتکب قصاص نباشد یا به هر علتی قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، به یک درجه پایین‌تر از مجازات تعزیری مرتکب.

ماده ۵- در کلیه موارد مذکور در این قانون، مرتکب علاوه بر جبران خسارت‌های مقرر در ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، ملزم به پرداخت هزینه‌های درمان بزه‌دیده می‌باشد. در صورتی که مرتکب با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده متمکن از پرداخت هزینه‌های درمان نباشد، هزینه‌های مربوطه از محل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود.

تبصره ۱- سازمان بهزیستی کشور مکلف است با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده، به بزه‌دیده‌گان موضوع این قانون خدمات روانشناختی، مددکاری و توانبخشی ارائه کند.

تبصره ۲- در مواردی که هزینه‌های موضوع این ماده و تبصره (۱)، از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی و سازمان بهزیستی پرداخت می‌شود، صندوق یا سازمان بهزیستی می‌تواند برای دریافت هزینه‌های پرداخت‌شده به مرتکب رجوع کنند.

ماده ۶- به دعاوی و شکایات مربوط به جرائم این قانون خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

ماده ۷- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۶ نسخ می‌شود.

قانون فوق مشتمل بر هفت ماده و چهار تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و یکم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۸/۸/۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.
رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

شماره ۱۱۳/۶۲۸۹۷
حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر حسن روحانی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۵۱۴۷۳/۱۵۵۸۹۲ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۴ در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون پایانه‌های فروشگاه‌های و سامانه مؤدیان که با عنوان لایحه نحوه استفاده، نگهداری و نظارت بر پایانه فروشگاه‌های (صندوق مکانیزه فروش) به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود، با تصویب در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۷/۲۱ و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می‌شود.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

شماره ۱۰۰۷۹۶
وزارت امور اقتصادی و دارایی

در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست «قانون پایانه‌های فروشگاه‌های و سامانه مؤدیان» که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و یکم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۸/۸/۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۱۳/۶۲۸۹۷ مورخ ۱۳۹۸/۸/۱۱ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده، جهت اجرا ابلاغ می‌گردد.

رئیس جمهور - حسن روحانی

قانون پایانه‌های فروشگاه‌های و سامانه مؤدیان

فصل اول - تعاریف

ماده ۱- در این قانون، اصطلاحات زیر در معانی مشروحه مربوط به کار می‌روند:

الف - سازمان: سازمان امور مالیاتی کشور

ب - پایانه فروشگاه‌های: رایانه، دستگاه کارتخوان بانکی (POS)، درگاه پرداخت الکترونیکی یا هر وسیله دیگری که امکان اتصال به شبکه‌های الکترونیکی پرداخت رسمی کشور و سامانه مؤدیان را داشته و از قابلیت صدور صورتحساب الکترونیکی برخوردار باشد.

پ - سامانه مؤدیان: سامانه‌ای است تحت مدیریت سازمان که در آن به هر مؤدی، کارپوشه ویژه‌ای اختصاص یافته و تبادل اطلاعات میان مؤدیان و سازمان منحصر از طریق آن کارپوشه انجام می‌شود. مؤدیان می‌توانند با استفاده از هرگونه سخت افزار یا نرم‌افزار اعم از رایانه شخصی، پایانه فروشگاه‌های، سامانه‌های ابری یا هر وسیله دیگری که حافظه مالیاتی به آن متصل شده‌باشد، به سامانه مؤدیان متصل شوند. مرجع نهائی ثبت، صدور و استعلام صورتحساب الکترونیکی، سامانه مؤدیان می‌باشد.

ت - حافظه مالیاتی: نوعی حافظه الکترونیکی است که برای ثبت و نگهداری اطلاعات مندرج در صورتحساب‌های الکترونیکی و انتقال آن به سامانه مؤدیان مورد استفاده قرار می‌گیرد. حافظه مالیاتی می‌تواند به شکل سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری باشد. حافظه مالیاتی تحت نظارت سازمان، توسط مؤدی برای ثبت صورتحساب الکترونیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر حافظه مالیاتی باید دارای شماره شناسه یکتا باشد. شناسه یکتای حافظه مالیاتی توسط سازمان اختصاص داده می‌شود.

ث - صورتحساب الکترونیکی: صورتحسابی است دارای شماره منحصر به فرد مالیاتی که اطلاعات مندرج در آن، در حافظه مالیاتی فروشنده ذخیره می‌شود. مشخصات و اقلام اطلاعاتی صورتحساب الکترونیکی، متناسب با نوع کسب و کار توسط سازمان تعیین و اعلام می‌شود. در مواردی که از دستگاه کارتخوان بانکی یا درگاه پرداخت الکترونیکی به عنوان پایانه فروشگاه‌های استفاده می‌شود، رسید یا گزارش الکترونیکی پرداخت خرید صادره در حکم صورتحساب الکترونیکی است.

تبصره ۱- سامانه مؤدیان باید به گونه‌ای طراحی شود که امکان پاسخگویی به استعلامات الکترونیکی در خصوص اعتبارسنجی مؤدیان و أخذ و ارائه استعلام‌های لازم به دستگاه‌های اجرائی را از طریق بسترهای یکپارچه دولت اعم از سامانه دولت همراه و مرکز ملی تبادلات اطلاعات موضوع تبصره (۲) ماده (۶۷) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ فراهم کند. همچنین سامانه مؤدیان باید قابلیت فراخوان و تبادل اطلاعات را از طریق مرکز ملی تبادلات اطلاعات داشته باشد.

تبصره ۲- سه ماه پس از انقضای مهلت مذکور در این ماده، فقط صورتحساب‌های الکترونیکی که از طریق سامانه مؤدیان صادر شده باشد، از سوی سازمان معتبر شناخته شده و مبنای محاسبه اعتبار مالیاتی برای مؤدیان خواهد بود.

تبصره ۳- مؤدیان به وسیله پایانه فروشگاهی که دارای حافظه مالیاتی و تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری می‌باشد مبادرت به صدور صورتحساب الکترونیکی می‌نمایند. ویژگی‌ها و مشخصات فنی پایانه فروشگاهی، حافظه مالیاتی و تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مربوط، نحوه تبادل اطلاعات میان حافظه مالیاتی با سامانه مؤدیان توسط کارگروه راهبری سامانه مؤدیان تعیین می‌شود.

ماده ۴- اصل بر صحت اطلاعات ثبت‌شده مؤدی در سامانه مؤدیان است، مگر خلاف آن اثبات شود. مأموران مالیاتی، جز در مواردی که مؤدی از ثبت‌نام در سامانه امتناع کرده و یا به ترتیبی که در ماده (۹) ذکر شده، اثبات شود که در ثبت اطلاعات خود در سامانه مؤدیان تخلف نموده است، حق مراجعه به محل فعالیت مؤدی و مطالبه دفاتر، اسناد و مدارک وی و رسیدگی به آنها را ندارند.

ماده ۵- فرایند کلی ثبت معاملات و محاسبه مالیات بر ارزش افزوده در سامانه مؤدیان به صورت زیر است:

الف - صورتحساب الکترونیکی، توسط فروشنده از طریق سامانه مؤدیان صادر می‌شود. در مورد مؤدیانی که مستقیماً با مصرف‌کننده نهائی ارتباط دارند، عملیات ثبت فروش و صدور صورتحساب الکترونیکی، توسط پایانه فروشگاهی انجام می‌شود.

ب - در صورتی که خریدار، مصرف‌کننده نهائی نبوده و خود عضو سامانه مؤدیان باشد، صورتحساب الکترونیکی صادرشده توسط فروشنده، به صورت خودکار به کارپوشه وی در سامانه مؤدیان منتقل می‌شود و به‌عنوان اعتبار مالیاتی برای او منظور می‌شود.

تبصره - مؤدیان مالیاتی مکلفند ظرف مدت سی روز از تاریخ درج صورتحساب الکترونیکی در کارپوشه مؤدیان نسبت به اعلام پذیرش یا عدم پذیرش این صورتحساب‌ها اقدام کنند. عدم اظهارنظر ظرف مدت مذکور به منزله تأیید صورتحساب مربوط می‌باشد. پ - در پایان هر دوره سه‌ماهه، بدهی مالیات بر ارزش افزوده مؤدی که عبارت است از مابه‌التفاوت مالیات فروش و مالیات خرید (اعتبار مالیاتی) وی در طول دوره، طبق مقررات توسط سامانه محاسبه می‌شود.

در صورتی که مالیات فروش مؤدی بیشتر از مالیات خرید (اعتبار مالیاتی) وی باشد، مؤدی موظف است مابه‌التفاوت را به ترتیبی که سازمان مقرر می‌کند، به حساب سازمان واریز کند. متقابلاً در صورتی که مالیات فروش مؤدی کمتر از مالیات خرید (اعتبار مالیاتی) وی باشد، سازمان موظف است با رعایت ترتیبات قانونی مربوطه مابه‌التفاوت را به مؤدی مسترد کند.

ت - پس از اتمام مواعید مقرر در ماده (۳) این قانون، مأموران مالیاتی جز در مواردی که در این قانون اجازه داده شده، نباید در تشخیص بدهی مالیات بر ارزش افزوده اشخاص مشمول دخالت کنند.

ث - به‌منظور تکمیل اطلاعات سازمان در خصوص مؤدیانی که عضو سامانه مؤدیان نبوده یا بدون صدور صورتحساب الکترونیکی اقدام به فروش می‌کنند، سامانه مؤدیان باید به گونه‌ای طراحی شود که مؤدی بتواند خریدهای خود را که فروشنده برای آنها صورتحساب الکترونیکی صادر نکرده است، به سازمان اطلاع دهد.

تبصره - گمرک جمهوری اسلامی ایران موظف است امکان انتقال الکترونیکی و برخط اطلاعات مالیات بر ارزش افزوده پرداخت‌شده توسط واردکنندگان را به سامانه مؤدیان از طریق مرکز ملی تبادل اطلاعات فراهم کند.

ج - اشخاص مشمول (مؤدیان): کلیه صاحبان مشاغل (صنفاً و غیرصنفاً) و اشخاص حقوقی موضوع فصل‌های چهارم و پنجم باب سوم قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن، مشمول این قانون هستند. در این قانون هرگاه از واژه مؤدی استفاده می‌شود، مراد، اشخاص مشمول است؛ مگر خلاف آن تصریح شده باشد.

چ - شرکتهای معتمد ارائه‌کننده خدمات مالیاتی: اشخاص حقوقی دارای پروانه هستند که حسب ضوابط و دستورالعمل‌های ابلاغی سازمان، نسبت به ارائه مشاوره و آموزش‌های لازم به مؤدیان، نصب و پشتیبانی تجهیزات موردنیاز برای ارائه خدمات مالیاتی از قبیل خدمات مربوط به صدور صورتحساب الکترونیکی و سایر امور غیرحاکمیتی (به تشخیص سازمان) با سازمان همکاری می‌کنند.

ح - کارگروه راهبری سامانه مؤدیان: به‌منظور سیاستگذاری در چهارچوب این قانون و با رعایت اسناد بالادستی و ایجاد هماهنگی بین نهادهای ذی‌ربط و نیز تدوین استانداردهای تبادل اطلاعات، در چهارچوب ملی تعامل‌پذیری اطلاعات، کارگروهی با حضور نمایندگان تام‌الاختیار سازمان و وزارتخانه‌های «ارتباطات و فناوری اطلاعات»، «صنعت، معدن و تجارت» و «اطلاعات» و بانک مرکزی تشکیل می‌شود. نمایندگان عضو کارگروه راهبری سامانه مؤدیان باید از میان کارکنان دستگاه‌های اجرائی مذکور انتخاب شوند. کارگروه راهبری سامانه مؤدیان به ریاست رئیس سازمان تشکیل می‌شود. مصوبات این کارگروه پس از تأیید وزیران امور اقتصادی و دارایی و ارتباطات و فناوری اطلاعات لازم‌الاجراء می‌باشد.

فصل دوم - تکالیف اشخاص مشمول

ماده ۲- کلیه اشخاص مشمول مکلفند به ترتیبی که سازمان مقرر می‌کند، نسبت به ثبت‌نام در سامانه مؤدیان اقدام کنند. خرده‌فروشی‌ها و واحدهای صنفی که مستقیماً با مصرف‌کننده نهائی ارتباط دارند، علاوه بر عضویت در سامانه مؤدیان، موظف به استفاده از پایانه فروشگاهی می‌باشند. استفاده از پایانه فروشگاهی برای مؤدیانی که مستقیماً با مصرف‌کننده نهائی ارتباط ندارند، الزامی نیست؛ اما مؤدیان مزبور موظفند کلیه صورتحساب‌های خود را به ترتیبی که سازمان مقرر می‌کند، از طریق سامانه مؤدیان صادر کنند. سازمان با همکاری اتاق اصناف ایران مکلف است نسبت به آموزش، توانمندسازی و مشاوره به اشخاص مشمول اقدام کند. کارگروهی مرکب از نمایندگان سازمان، اتاق اصناف ایران و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در هر استان تشکیل می‌شود. کارگروه مذکور موظف است که به‌صورت سالانه درخواست مؤدیانی که اظهار به عدم توانایی در استفاده از پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان را دارند، بررسی کند و در صورتی که این کارگروه با در نظر گرفتن شرایط مؤدی نظیر ویژگی‌های جسمی، منطقه جغرافیایی، سابقه مالیاتی و زیرساختها و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، تشخیص به ناتوانی و یا توانایی کمتر وی در استفاده از پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان را دهد، شرکتهای معتمد ارائه‌دهنده خدمات مالیاتی موظف خواهند بود نسبت به آموزش، توانمندسازی، نصب و راهاندازی پایانه فروشگاهی و سامانه مؤدیان برای این دسته از مؤدیان اقدام کنند، به نحوی که مسؤولیت و جریمه‌های عدم‌صدور صورتحساب الکترونیکی از طریق سامانه مؤدیان به نیابت از این قبیل مؤدیان برعهده شرکتهای معتمد ارائه‌کننده خدمات مالیاتی خواهد بود. این مسؤولیت و جریمه‌های موضوع این قانون، شامل مواردی که عدم‌صدور صورتحساب الکترونیکی ناشی از کتمان درآمد توسط مؤدی می‌باشد، نخواهد بود. مؤدیان مذکور مکلفند کارمزد (تعرفه) استفاده از خدمات شرکتهای معتمد ارائه‌دهنده خدمات مالیاتی که مطابق با ترتیبات ماده (۲۶) این قانون تعیین می‌شود را پرداخت نمایند.

تبصره - فهرست مؤدیانی که به دلیل ارائه کالا و خدمات معاف از مالیات بر ارزش افزوده و نیز ماهیت کسب و کار آنها، امکان عضویت در سامانه مؤدیان و صدور صورتحساب الکترونیکی را ندارند، به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و پس از تصویب هیأت وزیران، حداکثر تا پایان دی‌ماه هر سال برای عملکرد سال بعد توسط سازمان، اعلام خواهد شد.

ماده ۳- سازمان موظف است حداکثر ظرف مدت پانزده‌ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، سامانه مؤدیان را راه‌اندازی و امکان ثبت‌نام مؤدیان در سامانه و صدور صورتحساب الکترونیکی را از طریق سامانه مزبور فراهم کند.

بانکی و یا درگاههای پرداخت الکترونیکی اقدام نموده و با ایجاد تناظر بین آنها با مجوز فعالیت و شماره اقتصادی بنگاههای اقتصادی به هر یک از پایانههای فروش، شناسه یکتا اختصاص دهد. پس از تخصیص شناسه مذکور، کلیه تراکنشهای انجام شده از طریق حسابهای بانکی متصل به دستگاههای کارتخوان بانکی و نیز درگاههای پرداخت الکترونیکی به عنوان تراکنشهای بانکی مرتبط با فعالیت شغلی صاحب حساب بانکی محسوب شده و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است در چهارچوب قانون و مقررات مربوطه، اطلاعات این تراکنشهای بانکی شامل مانده اول دوره، وجوه واریزی، وجوه برداشت شده و مانده آخر دوره هر حساب بانکی را به منظور تکمیل پایگاه اطلاعات هویتی، عملکردی و دارایی مؤدیان موضوع ماده (۱۶۹ مکرر) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی به صورت برخط در اختیار سازمان قرار دهد.

تبصره - پس از انقضای موعد(گذشت زمان) مذکور در این ماده، اتصال دستگاههای کارتخوان بانکی (POS) و یا درگاههای پرداخت الکترونیکی که تعلق آنها به مؤدی معین توسط سازمان امور مالیاتی تأیید نشده باشد، به شبکه پرداخت بانکی کشور ممنوع است. بانک مرکزی و حسب مورد کلیه بانکها و ارائهدهندگان خدمات پرداخت موظف هستند مشخصات بهره‌برداران کلیه دستگاههای کارتخوان بانکی (POS) و پایانههای پرداخت الکترونیکی را به سازمان اعلام کنند. در صورت تخلف از حکم این ماده، مرتکبان به مجازات درجه شش قانون مجازات اسلامی به غیر از حبس محکوم می‌شوند.

ماده ۱۲- اشخاص مشمول مکلفند در صورتی که امکان صدور صورتحساب الکترونیکی به دلیل بروز حادثه یا نقص فنی فراهم نباشد مراتب را تا پایان روز اداری بعد، از طریق کارپوشه خود در سامانه مؤدیان یا به هر طریق دیگری که سازمان اعلام می‌کند، حسب مورد به سازمان یا شرکت معتمد ارائه‌دهنده خدمات مالیاتی اعلام کنند و تا زمان امکان پذیرش صدور صورتحساب الکترونیکی، فروشهای خود را به ترتیبی که سازمان به موجب دستورالعملی مقرر می‌کند، ثبت و صورتحساب‌های صادره را به سازمان ارسال کنند.

تبصره - حکم این ماده در صورتی که امکان ثبت در سامانه موضوع ماده(۱۶۹) قانون مالیاتهای مستقیم فراهم نباشد نیز جاری است.

ماده ۱۳- در صورتی که به هر دلیل اعم از تعطیلی (موقت یا دائم) و یا انحلال واحد کسب و کار، بهره‌برداری از پایانه فروشگاهی به‌طور موقت یا دائم متوقف شود، اشخاص مشمول مکلفند مراتب را ظرف مدت ده روز از توقف بهره‌برداری از طریق کارپوشه خود در سامانه مؤدیان حسب مورد به سازمان یا شرکت معتمد ارائه‌دهنده خدمات مالیاتی اعلام کنند.

تبصره - در مواردی که تعطیلی واحد کسبی به حکم مراجع قانونی ذی‌ربط باشد و یا در موارد قوه قهریه یا بروز حوادث غیرمترقبه که مبتنی بر علل و جهاتی خارج از اراده اشخاص مشمول باشد و بر اثر آن اطلاع به سازمان ممکن نباشد، اشخاص مشمول تا رفع موانع قهریه مذکور از رعایت مهلت زمانی مقرر در این ماده مستثنی می‌باشند.

ماده ۱۴- اشخاص مشمولی که نسبت به تغییر شغل یا محل فعالیت، تغییر مالکیت یا اجاره واحد کسب و کار اقدام می‌کنند، مکلفند ظرف مدت ده روز تغییرات انجام شده را از طریق کارپوشه خود در سامانه مؤدیان حسب مورد به سازمان یا شرکت معتمد ارائه‌دهنده خدمات مالیاتی اعلام نمایند.

فصل سوم - تکالیف سازمان، دستگاهها و مراجع ذی‌ربط

ماده ۱۵- اطلاعات سامانه مؤدیان، محرمانه است و سازمان مجاز به افشای آن جز به حکم قانون و یا مرجع قضائی نمی‌باشد. کارگروه راهبری سامانه مؤدیان مکلف است امکان استفاده از این اطلاعات را مشروط به رعایت ملاحظات امنیتی و حریم خصوصی اشخاص برای دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر متقاضیان با شرایط زیر فراهم کند:

الف - در مورد دستگاههای اجرایی، دسترسی به این اطلاعات در مواردی خواهد بود که مطابق قوانین و مقررات، اطلاعات موجود در سامانه، در راستای انجام وظایف آنها باشد.

ب - در مورد سایر متقاضیان، دسترسی به این اطلاعات در مواردی خواهد بود که متقاضی به‌منظور انجام امور تحقیقاتی و پژوهشی نیازمند استفاده از اطلاعات مزبور باشد. در این صورت متقاضی مکلف است درخواست مکتوب خود را که در بردارنده

ماده ۶- جمع صورتحساب‌های الکترونیکی صادره توسط هر مؤدی در هر دوره مالیاتی نمی‌تواند بیشتر از سه برابر فروش اظهارشده وی در دوره مشابه سال قبل، که مالیات آن به سازمان پرداخت شده یا ترتیب پرداخت آن داده شده است، باشد. جمع صورتحساب‌های الکترونیکی صادرشده در هر دوره مالیاتی برای واحدهای جدیدالتأسیس یا واحدهای فاقد سابقه مالیاتی نمی‌تواند بیش از سه برابر معافیت سالانه موضوع ماده (۱۰۱) قانون مالیات‌های مستقیم باشد. صدور صورتحساب الکترونیکی بیش از حد مجاز مقرر در این ماده برای کلیه مؤدیان منوط به پرداخت مالیات بر ارزش افزوده متعلقه یا تعیین ترتیب پرداخت بدهی مالیاتی یا ارائه تضامین کافی خواهد بود، در غیر این صورت به صورتحساب الکترونیکی صادرشده اعتبار مالیاتی تعلق نمی‌گیرد. آیین‌نامه اجرائی این ماده ظرف مدت شش‌ماه از لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط سازمان تهیه می‌شود و به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد. آیین‌نامه مذکور باید به گونه‌ای تنظیم شود که راهاندازی کسب و کارهای جدید و فعالیت بنگاههای اقتصادی با مشکل مواجه نشده و در عین حال، مانع شکل‌گیری مؤدیان صوری در نظام مالیاتی کشور شود.

ماده ۷- صورتحساب‌های الکترونیکی ثبت‌شده در سامانه مؤدیان به منزله ثبت آنها در سامانه فهرست معاملات موضوع ماده (۱۶۹) قانون مالیات‌های مستقیم است و فروشنده و خریدار تکلیف اضافی در این مورد نخواهند داشت.

ماده ۸- مؤدیانی که از ثبت‌نام در سامانه مؤدیان خودداری کنند و نیز خرده‌فروشی‌ها و واحدهای صنفی که مستقیماً با مصرف‌کننده نهائی ارتباط دارند، در صورتی که از پایانه فروشگاهی استفاده نکنند، مشمول امتیاز مذکور در ماده (۴) این قانون نمی‌باشند. سازمان موظف است معادل مالیات متعلق به فروش مؤدیان موضوع این ماده را به هر طریق ممکن از جمله مراجعه به محل‌های فعالیت و رسیدگی به دفاتر، اسناد و مدارک آنان، (اعم از فیزیکی و الکترونیکی) یا هرگونه مدارک و قرائنی که به دست می‌آورد، تعیین و مطالبه کند. در تعیین مالیات متعلق به این مؤدیان، هیچ‌گونه اعتبار مالیاتی برای خریدهای آنان منظور نخواهد شد. مؤدیان مزبور، در صورت اعتراض به میزان فروش اعلام‌شده توسط سازمان، می‌توانند با ارائه اسناد و مدارک مثبت به مراجع دادرسی مالیاتی مراجعه کنند.

تبصره - در صورتی که مؤدی موضوع این ماده قبل یا حین دادرسی به عضویت سامانه مؤدیان درآید، سازمان موظف است اعتبار مالیاتی وی را مطابق اعلام سامانه مؤدیان پذیرفته و از بدهی مالیاتی او کسر کند.

ماده ۹- در صورتی که مؤدی، برخی از فعالیت‌ها و یا معاملات خود را کتمان کند، یا از صدور صورتحساب‌های خود از طریق سامانه مؤدیان خودداری کرده یا در ثبت قیمت یا مقدار فروش مرتکب کم‌اظهاری یا بیش‌اظهاری شده باشد، سازمان موظف است موارد تخلف مؤدی را از طریق سامانه مؤدیان به اطلاع وی برساند. در صورتی که مؤدی موارد مزبور را پذیرفته و آنها را در کارپوشه خود در سامانه مؤدیان ثبت یا اصلاح کند، صرفاً مشمول جریمه‌های موضوع ماده (۲۲) این قانون خواهد شد.

در صورتی که مؤدی، آن موارد را نپذیرفته و از ثبت یا اصلاح آنها در سامانه مؤدیان امتناع کند، سازمان مراتب تخلف مؤدی را با اسناد و مدارک مثبت به هیأت حل اختلاف مالیاتی ارجاع می‌دهد. در صورت تأیید تخلف توسط هیأت حل اختلاف مالیاتی، سازمان می‌تواند با مراجعه به مؤدی یا مطالبه دفاتر و اسناد او، نسبت به حسابرسی دوره‌های مالیاتی سال تخلف اقدام نماید. علاوه بر این، مؤدی متخلف مشمول جریمه‌های موضوع ماده (۲۲) این قانون خواهد بود.

ماده ۱۰- اشخاص مشمول مکلفند شماره حساب یا حسابهای بانکی و شناسه یکتای دستگاههای کارتخوان بانکی (POS) یا درگاههای پرداخت الکترونیکی مورد استفاده برای فعالیت شغلی خود را به سازمان اعلام کنند.

تبصره - در موارد استفاده از حساب بانکی یا دستگاه کارتخوان بانکی (POS) یا درگاههای پرداخت الکترونیکی جدید، اشخاص مشمول مکلفند اطلاعات آنها را بلافاصله از طریق کارپوشه خود در سامانه مؤدیان به سازمان اعلام کنند.

ماده ۱۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است با همکاری سازمان ظرف مدت یک‌سال پس از ابلاغ این قانون، نسبت به ساماندهی دستگاههای کارتخوان

اطلاعات موجود در پایگاه داده سازمان راستی‌آزمایی نموده و در صورت عدم مغایرت با اطلاعات پایگاه مذکور، اظهارنامه تسلیمی را بدون رسیدگی قبول کند.

تبصره ۱- به منظور حصول اطمینان از صحت اسناد اظهارشده در سامانه مؤدیان، سازمان مجاز است حداکثر دوونیم درصد (۲/۵٪) مؤدیان مشمول قانون مالیات‌های مستقیم و قانون مالیات بر ارزش افزوده را که عضو سامانه مؤدیان هستند، به صورت تصادفی (به قید قرعه) انتخاب کرده و دفاتر آنان را مطالبه یا برای مشاهده دفاتر و اسناد، به محل کار آنان مراجعه کند. دستورالعمل این تبصره ظرف مدت شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجراءشدن این قانون به تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد. محدودیت مذکور در این تبصره نسبت به مؤدیانی که عضو سامانه مؤدیان نیستند، وجود ندارد.

تبصره ۲- مؤدیان می‌توانند اظهارنامه مربوط به مالیات عملکرد خود را از طریق سامانه مؤدیان ارائه کنند. سازمان موظف است ترتیبی اتخاذ کند که اطلاعات مربوط به خرید و فروش مؤدی عیناً به اظهارنامه مالیات بر عملکرد وی منتقل شود و مؤدی تنها موظف به ثبت سایر اقلام اطلاعاتی مورد نیاز برای محاسبه مالیات عملکرد نظیر حقوق و دستمزد، اجاره و استهلاکات بر اساس مقررات مربوط و ضوابطی که سازمان تعیین می‌کند، می‌باشد.

ماده ۲۰- سازمان مکلف است در چهارچوب دستورالعملی که ظرف مدت شش‌ماه از لازم‌الاجراءشدن این قانون تهیه می‌شود و به تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد، آن دسته از اشخاص مشمولی که تمامی تکالیف مقرر در این قانون را رعایت کرده و از نرم‌افزارهای حسابداری مورد تأیید کارگروه راهبری سامانه مؤدیان استفاده می‌کنند، از ارائه دفاتر یا اسناد و مدارک موضوع قوانین مالیات‌های مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده مستثنی کند.

ماده ۲۱- به سازمان اجازه داده می‌شود در صورت ثبت نام مؤدی در سامانه مؤدیان و انجام تکالیف قانونی مربوط، بدهی مالیات بر ارزش افزوده وی را که مربوط به سال ۱۳۹۶ و قبل از آن می‌باشد، مطابق دستورالعملی که توسط سازمان پیشنهاد شده و به تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد، قطعی نموده و کلیه جریمه‌های متعلقه را به مدت سه سال تعلیق کند. در صورت ارتکاب تخلفات مذکور در ماده (۹) این قانون توسط مؤدی در طول زمان تعلیق و محکومیت وی در هیأت حل اختلاف مالیاتی، مؤدی حسب رأی هیأت، ملزم به پرداخت تمام یا بخشی از جریمه‌های تعلیق شده خواهد بود. پس از انقضای مهلت فوق‌الذکر در صورت عدم ارتکاب تخلفات مذکور در ماده (۹)، جریمه‌های تعلیق شده بخشوده می‌شود.

فصل پنجم - ضمانت‌های اجرائی

ماده ۲۲- تخلفات و حسب مورد، جریمه‌های متعلقه به شرح زیر خواهد بود:
الف - عدم صدور صورتحساب الکترونیکی، معادل ده درصد (۱۰٪) مجموع مبلغ فروش انجام شده بدون صدور صورتحساب الکترونیکی یا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، هر یک که بیشتر باشد.

ب - عدم عضویت در سامانه مؤدیان، عدم استفاده از پایانه فروشگاهی، عدم استفاده از حافظه مالیاتی، استفاده از حافظه مالیاتی متعلق به سایر مؤدیان، یا واگذاری حافظه مالیاتی خود به دیگران، معادل ده درصد (۱۰٪) مجموع مبلغ فروش انجام شده از آن طرف، یا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، هر یک که بیشتر باشد و محرومیت از اعمال معافیت‌های مالیاتی، نرخ صفر و مشوقهای موضوع قانون مالیات‌های مستقیم در همان سال مالی.

پ - عدم اعلام شماره حساب یا حسابهای بانکی واحد اقتصادی که گردش مالی واحد از طریق آن یا آنها انجام می‌شود به سازمان، معادل ده درصد (۱۰٪) مجموع مبلغ فروش انجام شده از طریق آن حساب یا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، هر یک که بیشتر باشد و محرومیت از اعمال معافیت‌های مالیاتی، نرخ صفر و مشوقهای موضوع قانون مالیات‌های مستقیم در همان سال مالی.

ت - عدم تحویل صورتحساب چاپی به خریدار، حذف یا مخدوش کردن صورتحساب، معادل دو درصد (۲٪) مبلغ صورتحساب‌های مذکور یا معادل بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال هر یک که بیشتر باشد.

اطلاعات مورد نیاز است به همراه معرفی‌نامه از سوی دستگاه یا نهادهای پژوهشی مرتبط نظیر مراکز علمی و دانشگاهی به سازمان ارائه کند. کارگروه راهبری سامانه مؤدیان موظف است با بررسی درخواست مزبور، اطلاعات مورد درخواست را به صورت داده‌های ناشناس و به میزان لازم جهت انجام تحقیقات و پژوهش مورد نظر در اختیار متقاضی قرار دهد.

تبصره ۱- سازمان مکلف است در ایجاد و استقرار سامانه، نسبت به صیانت و حفاظت از اطلاعات اشخاص و رعایت مقررات امنیت فضای تبادل اطلاعات (افتا) اقدام کند.

تبصره ۲- متخلفان از مفاد این ماده ضمن جبران خسارت وارده مشمول مجازات موضوع ماده (۲۷۹) قانون مالیات‌های مستقیم الحاقی مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ می‌شوند. الزام به جبران خسارت شامل مواردی که وارد شدن آسیب منتسب به متخلف نیست، نمی‌گردد.

ماده ۱۶- مراجع ذی‌ربط مکلفند ظرف مدت شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، فرآیند مربوط به صدور، تجدید، تمدید، اصلاح یا ابطال پروانه کسب و کار، کارت بازرگانی و مجوز فعالیت‌های اقتصادی را به گونه‌ای اصلاح کنند که هرگونه شروع فعالیت اقتصادی جدید، تغییر نوع فعالیت، تغییر مالک یا مالکان، تغییر مکان و سایر تغییرات مرتبط با کسب و کار اشخاص، بدون ثبت یا اصلاح اطلاعات مربوط در سامانه مؤدیان امکان‌پذیر نباشد. تشخیص مراجع ذی‌ربط با رعایت قوانین و مقررات مربوطه در هر مورد، با کارگروه راهبری سامانه مؤدیان است.

فصل چهارم - تشویق‌ها و تسهیلات

ماده ۱۷- سازمان موظف است در پنج سال اول پس از استقرار سامانه مؤدیان به منظور تشویق صاحبان مشاغل موضوع فصل چهارم باب سوم قانون مالیات‌های مستقیم که فروش‌های خود را با استفاده از پایانه فروشگاهی انجام داده و کالاها و خدمات موردنیاز خود را از واحدهای اقتصادی عضو سامانه مؤدیان خریداری کنند، معادل بیست درصد (۲۰٪) مالیات بر ارزش افزوده‌ای که مؤدی در هر دوره به سازمان پرداخت می‌کند یا یک درصد (۱٪) فروش وی (هر کدام کمتر باشد)، حداکثر تا شصت میلیون (۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در هر دوره مالیاتی به عنوان پاداش همکاری مؤدی، از مالیات بر ارزش افزوده دوره بعدی وی (و در صورتی که بیش از مالیات آن دوره باشد، دوره‌های بعد از آن) کسر کند.

تبصره - پاداش مؤدیان موضوع این ماده که طبق قانون، مشمول مالیات بر ارزش افزوده نیستند، از مالیات عملکرد آنها در همان سال کسر می‌شود. پاداشی که به این مؤدیان تعلق می‌گیرد، از پنجاه درصد (۵۰٪) مالیات عملکرد ابرازی آنان بیشتر نخواهد بود.

ماده ۱۸- سازمان موظف است به منظور تشویق مصرف‌کنندگان نهائی (اشخاص حقیقی) که خریدهای خود را از فروشندگان مجهز به پایانه فروشگاهی و از طریق شبکه پرداخت بانکی انجام می‌دهند، از هر ده صورتحساب الکترونیکی صادرشده توسط پایانه‌های فروشگاهی یک صورتحساب را به صورت قرعه‌کشی برخط انتخاب کرده، دو برابر مبلغی را که خریدار براساس آن صورتحساب به عنوان مالیات بر ارزش افزوده پرداخت نموده است، به حساب بانکی وی مسترد کند. جوایز مزبور از محل وصولی جاری سازمان، طبق دستورالعملی که ظرف مدت شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد، پرداخت می‌شود.

تبصره ۱- سازمان مکلف است ترتیبی اتخاذ کند که مصرف‌کنندگان نهائی که از فروشندگان مجهز به پایانه فروشگاهی و از طریق شبکه پرداخت بانکی خرید می‌کنند، در صورت تمایل بتوانند صورتحساب‌های خرید خود و جوایز تعلق گرفته را مشاهده کنند.

تبصره ۲- جوایز موضوع این ماده تا میزان معافیت مالیات بر درآمد حقوق موضوع ماده (۸۴) قانون مالیات‌های مستقیم برای هر شخص در سال از شمول مالیات و تسلیم اظهارنامه مالیاتی مربوط به این جایزه، معاف می‌باشد.

تبصره ۳- سازمان موظف است ترتیبی اتخاذ کند که مصرف‌کنندگان نهائی بتوانند از اصالت صورتحساب‌های صادرشده توسط فروشندگان اطمینان حاصل کنند.

ماده ۱۹- سازمان مکلف است اظهارنامه‌های مالیات بر عملکرد آن دسته از اشخاص مشمول را که تمامی مقررات این قانون را رعایت کرده‌اند و آن را بر مبنای اطلاعات مندرج در سامانه مؤدیان تنظیم و در مهلت مقرر ارائه نموده‌اند از طریق انطباق با

مورد نیاز، از جمله گزارش‌های الکترونیکی پرداخت، از خدمات شرکت‌های ایرانی معتمد ارائه‌کننده خدمات مالیاتی استفاده کند.

شرایط، نحوه انتخاب، چگونگی ارتباط با سازمان و مؤدیان، تعیین تعرفه‌ها و سایر مقررات مربوط به شرکت‌های ایرانی معتمد ارائه‌کننده خدمات مالیاتی، براساس قوانین مربوطه به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف مدت شش‌ماه از لازم‌الاجراءشدن این قانون توسط کارگروه راهبری سامانه مؤدیان تهیه می‌شود و به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد.

نظارت بر حسن اجرای این قانون برعهده کارگروه یادشده بوده و کارگروه مزبور موظف است هر شش‌ماه گزارش عملکرد سازمان را در این خصوص به کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارائه کند.

ماده ۲۷- سازمان مکلف است با رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ و اصلاحات بعدی آن و قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴، متناسب با ظرفیت فنی و اجرائی کشور نسبت به ایجاد مرکز تنظیم مقررات در ساختار سازمانی به منظور نظارت بر شرکت‌های معتمد ارائه‌کننده خدمات مالیاتی، تنظیم مقررات و تعیین استانداردها و مشخصات فنی و شاخصهای توسعه نظام شبکه پایانه‌های فروشگاهی و صورتحساب الکترونیکی اقدام نماید. مصوبات مرکز مذکور پس از تأیید وزیران امور اقتصادی و دارایی و ارتباطات و فناوری اطلاعات لازم‌الاجراء است.

ماده ۲۸- نحوه مطالبه، وصول، تقسیط، بخشودگی و ترتیبات پرداخت مربوط به جریمه‌های موضوع این قانون طبق احکام قانون مالیات‌های مستقیم خواهد بود.

ماده ۲۹- پس از انقضای مواعد مذکور در ماده (۳) این قانون، تبصره (۲) ماده (۱۶۹) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن لغو و احکام مندرج در تبصره‌های (۱)، (۲) و (۳) ماده (۱۵) و همچنین ماده (۶۶) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن برای اشخاص مشمول این قانون منتفی می‌شود.

قانون فوق مشتمل بر بیست و نه ماده و بیست و هشت تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و یکم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۸/۸/۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

شماره ۱۱۰/۱۵۲/۱۰۹۹۰
مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور

گزارش پرونده وحدت رویه قضایی ردیف ۲۷/۹۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با مقدمه و رأی شماره ۷۷۹ - ۱۳۹۸/۵/۱۵ به شرح ذیل تنظیم و جهت انتشار ارسال می‌گردد. معاون قضائی دیوان عالی کشور - ابراهیم ابراهیمی

مقدمه

جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده وحدت رویه ردیف ۲۷/۹۴ در ساعت ۸:۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۵ به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سیداحمد مرتضوی مقدم رئیس محترم دیوان عالی کشور و با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای محمدجعفر منتظری دادستان محترم کل کشور و شرکت آقایان رؤسا، مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب دیوان‌عالی‌کشور، در سالن هیأت عمومی تشکیل شد و پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت‌کننده در خصوص مورد و استماع نظر دادستان محترم کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می‌گردد، به صدور رأی وحدت رویه قضایی شماره ۷۷۹ - ۱۳۹۸/۵/۱۵ منتهی گردید.

الف) گزارش پرونده

احتراماً معروض می‌دارد: بر اساس گزارش واصله از شعبه بیستم دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه از شعب اول و دوازدهم دیوان عالی کشور، به ترتیب طی دادنامه‌های ۷۸۹ - ۱۳۹۲/۱۰/۲۸ و ۷۶۹ - ۱۳۹۳/۸/۱۶ درباره حقوق زن از بابت شرط تنصیف

ث - عدم رعایت احکام مذکور در مواد (۱۲)، (۱۳) و (۱۴) این قانون، معادل یک درصد (۱٪) مبلغ فروش گزارش‌نشده یا معادل ده میلیون (۱۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال، هر یک که بیشتر باشد.

تبصره ۱- مبلغ جریمه‌های ثابت مندرج در این قانون، متناسب با نرخ تورم سالانه بر اساس آخرین اعلام بانک مرکزی، هر سال توسط سازمان اعلام می‌شود.

تبصره ۲- سازمان نمی‌تواند بیشتر از پنجاه درصد (۵۰٪) جریمه‌های موضوع این ماده را مطابق ماده (۱۹۱) قانون مالیات‌های مستقیم مورد بخشودگی قرار دهد.

تبصره ۳- در صورت اعمال جریمه‌های موضوع بندهای «الف» و «ث» این ماده، جریمه موضوع ماده (۱۶۹) قانون مالیات‌های مستقیم اعمال نمی‌شود. در صورت اعمال جریمه‌های مذکور در بند «ب»، جریمه‌های مذکور در بندهای «الف» و «ت» اعمال نمی‌شود.

ماده ۲۳- هر شخصی که به قصد تقلب یا اخلال در نظام مالیاتی کشور، اقدام به تولید، عرضه یا استفاده از تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و پایانه‌های فروشگاهی معیوب یا تجهیزات معیوب‌کننده کند، یا پایانه فروشگاهی خود یا دیگران را تخریب کند، علاوه بر جبران ضرر و زیان، حسب مورد به یک یا چند مورد از مجازات‌های تعزیری درجه شش قانون مجازات اسلامی به غیر از حبس، محکوم می‌شود.

تبصره ۱- تکرار جرم موضوع این ماده برای بیش از سه بار، حسب مورد موجب مجازات‌های تعزیری درجه پنج قانون مجازات اسلامی به غیر از حبس، می‌شود.

تبصره ۲- اقدام به جرم موضوع این ماده به صورت گروهی و سازمان‌یافته، موجب مجازات‌های تعزیری درجه چهار قانون مجازات اسلامی به غیر از حبس، حسب مورد می‌شود.

ماده ۲۴- در صورت عدم رعایت احکام مذکور در ماده (۲) این قانون، سازمان موظف است مراتب تخلف را به وی و مرجع صادرکننده مجوز فعالیت واحد متخلف اعلام کند. مرجع مذکور مکلف است حداکثر ظرف مدت یک هفته از اعلام سازمان، نسبت به اخطار کتبی به واحد متخلف اقدام کند. چنانچه واحد مذکور ظرف مدت ده‌روز از تاریخ دریافت اخطار، نسبت به عضویت در سامانه مؤدیان اقدام نکند، برای بار اول به مدت دو هفته و برای بار دوم از دو تا شش ماه با اعلام مرجع صدور مجوز، توسط نیروی انتظامی، و در مورد کسب و کارهای مجازی، توسط کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه، تعطیل یا مسدود خواهد شد. در صورتی که پس از گذشت پانزده‌روز، مرجع صادرکننده مجوز تعطیلی واحد متخلف را به نیروی انتظامی یا کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه ابلاغ نکند، سازمان موظف است رأساً تعطیلی واحد متخلف را به نیروی انتظامی یا کارگروه مذکور ابلاغ کند. در این صورت، مرجع صادرکننده مجوز، با متخلف در پرداخت مالیات و جریمه‌ها مسئولیت تضامنی خواهد داشت.

تبصره ۱- در صورت تداوم تخلف واحد کسب و کار پس از گذشت یک سال، مجوز فعالیت واحد متخلف توسط مرجع صادرکننده مجوز ابطال خواهد شد.

تبصره ۲- بانک مرکزی موظف است درگاهها و پایانه‌های پرداخت واحد متخلف را در زمان تعطیلی یا تعلیق فعالیت آن واحد، مسدود کند.

ماده ۲۵- پس از انقضای مواعد (مهلتها) مذکور در ماده (۳) این قانون، صورتحساب‌هایی که در سامانه مؤدیان ثبت نشده باشد، معتبر نبوده و قابل استناد در مراجع دادرسی مالیاتی نخواهد بود.

تبصره ۱- ذی‌حسابان و مدیران مالی دستگاههای اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن مکلفند در پذیرش اسناد هزینه‌ای، مفاد این ماده را رعایت کنند.

تبصره ۲- سازمان مکلف است امکان راستی‌آزمایی صورتحساب‌های موضوع این ماده را برای خزانه‌داری کل، دیوان محاسبات کشور و سایر دستگاههای نظارتی حسب مورد فراهم کند.

فصل ششم - نظارت بر اجراء

ماده ۲۶- سازمان می‌تواند جهت حصول اطمینان از عملکرد صحیح مؤدیان در خصوص صدور صورتحساب الکترونیکی و ثبت دقیق معاملات در سامانه مؤدیان، اطمینان از انجام تکالیف قانونی توسط مؤدیان، ارائه آموزش و مشاوره‌های فنی و غیرمالیاتی به مؤدیان، پشتیبانی و استانداردسازی تجهیزات مورد استفاده مؤدیان و دریافت استعلام‌های

پرونده را عیناً به دادگستری اعاده نموده که برای رسیدگی در شعبه ۱۴ دادگاه عمومی حقوقی کرمانشاه ارجاع شده است و این شعبه پس از استماع اظهارات وکلای طرفین در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۹ ختم رسیدگی را اعلام و طی دادنامه شماره ۱۷۶۸ - ۱۳۸۹/۱۲/۲۰ ضمن انعکاس شرح دعوای خواهان، در اجرای دستور آیه مبارکه ۳۵ سوره شریفه نساء، چون مساعی داوران جهت سازش و اصلاح ذات‌البین مفید واقع نشده است، لذا با اختیار حاصله از ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، به ترتیب ذیل مبادرت به صدور گواهی عدم امکان سازش می نماید. ۱. زوجه حسب الاقرار باردار نیست. ۲. زوجین دارای دو فرزند مشترک به اسامی نیما و نرگس هستند که حضانت آنها به عهده پدر بوده و مادر می‌تواند هفته‌ای یک بار و هر بار به مدت هشت ساعت با اطفال مشترک ملاقات نماید. ۳. جهیزیه تحویل زوجه است. ۴. زوج مکلف به تأدیة مهریه برابر سند نکاحیه و اجرت‌المثل ایام زندگی مشترک به میزان سه میلیون و پانصد هزار تومان و نفقه ماهیانه زوجه از تاریخ تقدیم دادخواست لغایت ایام عده به میزان یکصد و شصت هزار تومان می‌باشد. ۵. زوجه خواستار تنصیف دارایی گردیده و یک دستگاه کامیون ایوبکو و مبلغ دوازده میلیون تومان موجودی بانکی شوهرش را به عنوان عواید زندگی مشترک معرفی نموده است که دادگاه با عنایت به اوضاع و احوال حاکم بر قضیه و با توجه به اینکه زوج قبل از ازدواج کامیون دیگری داشته است فلذا مقرر کرده یک پنجم از قیمت کامیون و معادل یک سوم از سپرده بانکی به زوجه پرداخت شود.

پس از ابلاغ رأی و تجدیدنظرخواهی وکیل زوج، شعبه بیستم دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه نسبت به موضوع رسیدگی و در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۳۱ در وقت فوق‌العاده تشکیل جلسه داده و با بررسی پرونده ختم رسیدگی را اعلام و طی رأی شماره ۳۲۴ چنین استدلال می‌کند: هر چند مقررات تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۲۱) [به جز بند ب] به موجب بند ۸ ذیل ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱) صریحاً نسخ شده است لیکن ملاک قانونی موصوف در تعیین اجرت‌المثل که مبتنی بر یک ضابطه منطقی بوده کماکان معتبر است لذا چنانچه ضمن عقد نکاح یا عقد خارج لازم دیگر در خصوص امور مالی میان زوجین به تراضی، شرطی مقرر شده باشد طبق آن عمل خواهد شد. نظر به اینکه در بند الف شرایط ضمن عقد مندرج در سند نکاحیه شرط تنصیف پیش‌بینی شده و مورد توافق زوجین قرار گرفته است، از این روی تعیین اجرت‌المثل صرفاً ناظر به عدم پیش‌بینی شرط موصوف یا استتکاف زوجه از اعمال آن است و بر این مبنا اجتماع میان دو تأسیس حقوقی موصوف ممتنع به نظر می‌رسد لذا با اجرای شرط تنصیف، اجرت‌المثل مقرر شده از مفاد دادنامه حذف می‌شود. در خصوص حضانت اطفال مشترک اگر چه سن آن‌ها کمتر از هفت سال می‌باشد و مطابق قانون حضانت آن‌ها با زوجه است، لیکن با توجه به نظریه داور، عدم تعرض زوجه و وکلای وی، حکایت از پذیرش واگذاری حضانت به زوج دارد، علیهذا از آنجا که تجدیدنظرخواهی با هیچ یک از جهات مندرج در ذیل ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی منطبق نیست با رد آن مستنداً به فراز اخیر ماده ۳۵۸ و نیز ماده ۳۶۸ از قانون پیش گفته، دادنامه تجدیدنظرخواسته را از آن جهت که مورد تقاضای رسیدگی قرار گرفته است تأیید و استوار می‌نماید. این رأی در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۲ ابلاغ و آقای پیمان ... با وکالت آقای محمد ... در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۲۳ نسبت به آن اعتراض و تقاضای فرجامخواهی می‌کند. پرونده جهت رسیدگی به دیوان عالی کشور ارسال و به شعبه دوازدهم ارجاع می‌گردد.

هیأت محترم شعبه پس از قرائت گزارش آقای عضو ممیز و اوراق پرونده مشاوره نموده چنین رأی می‌دهد:

«استدلال این قسمت از دادنامه شماره ۳۲۴ - ۱۳۹۳/۳/۳۱ شعبه بیستم دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه مبنی بر اینکه: «چون در بند الف شرایط ضمن عقد مندرج در سند نکاحیه شرط تنصیف پیش‌بینی و مورد توافق زوجین قرار گرفته است از این روی تعیین اجرت‌المثل صرفاً ناظر به عدم پیش‌بینی شرط موصوف یا استتکاف زوجه از اعمال آن است و بر این مبنا اجتماع میان دو تأسیس حقوقی موصوف ممتنع به نظر می‌رسد لذا با اجرای شرط تنصیف، اجرت‌المثل مقرر شده از مفاد دادنامه حذف می‌شود.» با توجه به

مالی مندرج در سند ازدواج و تعیین اجرت‌المثل ایام زوجیت، با اختلاف استنباط از مقررات قانونی، آراء مختلف صادر شده است که خلاصه جریان امر به شرح ذیل گزارش می‌شود:

الف) حسب محتویات پرونده کلاسه ۸۳۹ شعبه اول دیوان عالی کشور، آقای کورش... با وکالت آقای مجید... به طرفیت همسرش خانم خدیجه ... به خواسته صدور گواهی عدم سازش اقامه دعوی کرده و توضیح داده است: در ۱۳۸۷/۱۱/۷ طی سند نکاحیه ۲۸۰۱۴۷ تنظیمی در دفتر ازدواج شماره ۱۸ حوزه ثبت کرمانشاه با خواننده ازدواج کرده است که چون مشارالیه قادر به بچه‌دار شدن نیست و این امر موجب بروز مشکلات و اختلافات فی‌مابین شده است لذا مستنداً به ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی درخواست صدور حکم به شرح خواسته را دارد. پرونده برای رسیدگی به شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی کرمانشاه ارجاع شده است. وکیل خواهان در جلسه ۹۱/۱۱/۱۶ گفته است: موکلم تقاضای طلاق دارد و آمادگی دارد مهریه را به نرخ روز و نفقه معوقه را با نظر دادگاه بپردازد، جهیزیه نیز مسترد می‌شود اجرت‌المثل و نحله نیز به خانم تعلق نمی‌گیرد چون کار خاصی انجام نداده، شرط تنصیف نیز به دلیل اینکه موکل، مالی پس از عقد اندوخته نکرده قابل اعمال نیست و خواننده هم در جلسه ۱۳۹۱/۱۱/۱۶ دادگاه گفته مهریه سه میلیون تومان است، نفقه‌ام را از شهریور ۱۳۹۱ به بعد می‌خواهم، از جهیزیه‌ام بیش از یک‌دست رختخواب نمانده از انجام کار هم قصد دریافت وجه نداشته‌ام ... اگر نحله و اجرت‌المثل تعلق بگیرد خواستار آن هستم. در مورد شرط [تنصیف هم]، شوهرم سال ۱۳۹۱ یک دستگاه پژو پارس خریده، یک باب منزل در کیانشهر کرمانشاه دارد که چهار دانگ آن متعلق به شوهرم است سه دانگ از یک باب منزل در جعفرآباد و ۱/۵ دانگ مغازه در چهارراه اجاق دارد اگر قبول ندارد قسم بخورد من قبول دارم.

چون مساعی داوران برای اصلاح ذات‌البین مؤثر واقع نشده و موکل خواهان، سوگند یاد کرده که جز اتومبیل پژو پارس مال دیگری ندارد، دادگاه پس از تکمیل تحقیقات ختم دادرسی را اعلام و ضمن صدور گواهی عدم امکان سازش، شوهر را علاوه بر پرداخت مهریه به نرخ روز بر مبنای شاخص بانک مرکزی، به پرداخت نفقات معوقه و ایام عده، تحویل جهیزیه، پرداخت یکصد میلیون ریال بابت نحله و تنصیف قیمت اتومبیل پژو پارس محکوم کرده که این رأی طی دادنامه ۸۷۹ - ۱۳۹۲/۱۰/۲۸ در شعبه بیستم دادگاه تجدیدنظر استان مربوط، عیناً تأیید شده و متعاقب آن پرونده با فرجامخواهی زوج به دیوان عالی کشور ارسال و پس از ثبت به شعبه اول ارجاع شده و هیأت محترم شعبه بعد از قرائت گزارش عضو ممیز و بررسی اوراق پرونده، مشاوره نموده، چنین رأی داده‌اند:

«نظر به اینکه اجرای شرط تنصیف مقدم بر تعیین نحله و اجرت‌المثل است، ورود دادگاه به موارد اخیرالذکر مشروط به این است که سند نکاحیه فاقد شرط تنصیف باشد یا ذی‌نفع درخواست اجرای آن را نکرده باشد و حال آنکه در دادنامه فرجام‌خواسته، فرجام خواه مکلف به پرداخت نحله و اجرای تنصیف گردیده است لذا فرجام‌خواهی نسبت به تعیین نحله موجه تشخیص و با حذف آن از دادنامه فرجام خواسته، دادنامه را در سایر موارد به استناد مواد ۴۰۳، ۳۷۰، ۳۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی ابرام می‌نماید.»

ب) به دلالت محتویات پرونده کلاسه ۱۲۰۳ شعبه دوازدهم دیوان عالی کشور، خانم سمیه... به وکالت از آقای پیمان... به استناد رونوشت کارت ملی زوجین و رونوشت سند نکاحیه، دادخواستی به خواسته صدور گواهی عدم امکان سازش به طرفیت خانم سمیرا... تقدیم و چنین توضیح می‌دهد: زوجین به موجب سند نکاحیه شماره ۱۱۴۱۴ در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۲۷ به عقد نکاح دائم یکدیگر در آمده‌اند. ثمره این ازدواج ۲ فرزند می‌باشد. اکنون موکل به دلیل اختلافات شدید زناشویی قادر به ادامه زندگی مشترک نمی‌باشد و تصمیم به طلاق و جدایی از زوجه گرفته است لذا استدعای رسیدگی و صدور حکم طلاق و گواهی عدم امکان سازش جهت مراجعه به دفترخانه و اجرای صیغه طلاق را دارم. پرونده بدو جهت مشاوره و جلوگیری از طلاق به معاونت امور اجتماعی ارسال شده و واحد مشاوره و مددکاری دادگستری به علت عدم حضور زوجه و عدم توفیق در سازش،

عالی کشور، موضوع دادنامه شماره ۳۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۳/۳۱ منطبق با موازین شرعی و قانونی تشخیص و قابل تأیید است.

ج) رأی وحدت رویه شماره ۷۷۹-۱۳۹۸/۵/۱۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با توجه به تأکید قانونگذار در صدر ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱/۱۲/۱ بر شروط ضمن عقد نکاح و مندرجات سند ازدواج، جمع شرط تنصیف دارایی که ضمن عقد نکاح مقرر شده با اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته توسط زوجه موضوع تبصره الحاقی به ماده ۳۳۶ قانون مدنی (یا نخله بدل از آن) تنافی و تعارض ندارد، بنابراین تعیین اجرت‌المثل کارهای زوجه از سوی دادگاه او را از حقوق استحقاقی ناشی از شرط تنصیف دارایی محروم نمی‌سازد و در چنین مواردی دادگاه باید علاوه بر تعیین اجرت‌المثل کارهایی که زوجه انجام داده، نسبت به حقوق او ناشی از آن شرط نیز رسیدگی و تعیین تکلیف نماید. بر این اساس رأی شعبه دوازدهم دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و موافق قانون تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شماره ۱۱۰/۱۵۲/۱۰۹۹۰

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور

گزارش پرونده وحدت رویه ردیف ۲۸/۹۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با مقدمه و رأی شماره ۷۸۰-۱۳۹۸/۷/۲ به شرح ذیل تنظیم و جهت انتشار ارسال می‌گردد.

معاون قضائی دیوان عالی کشور - ابراهیم ابراهیمی

مقدمه

جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده وحدت رویه ردیف ۲۸/۹۳ در ساعت ۸:۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۸/۷/۲ به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سیداحمد مرتضوی مقدم رئیس محترم دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای محمد علمی نماینده محترم دادستان کل کشور و شرکت آقایان رؤسا، مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب دیوان عالی کشور، در سالن هیأت عمومی تشکیل شد و پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت‌کننده در خصوص مورد و استماع نظر نماینده دادستان محترم کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می‌گردد، به صدور رأی وحدت رویه قضایی شماره ۷۸۰-۱۳۹۸/۷/۲ منتهی گردید.

الف: گزارش پرونده

احتراماً معروض می‌دارد: براساس گزارش واصله از شعبه دوم دادگاه عمومی مسجد سلیمان از شعب بیست و یکم و بیست و سوم دادگاه‌های تجدیدنظر استان خوزستان با استنباط متفاوت از تبصره ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ آراء مختلف صادر شده است که جریان امر به شرح ذیل منعکس می‌شود:

الف) به دلالت محتویات پرونده کلاسه ۲۰۰۰۴۳ شعبه بیست و سوم دادگاه تجدیدنظر استان مرقوم، شعبه دوم دادگاه عمومی شهرستان مسجد سلیمان به موجب دادنامه شماره ۱۱۳۴ - ۱۳۹۲/۹/۲۶ صادر شده در پرونده کلاسه ۷۰۲۰۰۴۳ در مورد دعوی خانم مریم ... به وکالت از آقای مهرزاد ... به طرفیت شاهرضا ... به خواسته مطالبه مبلغ یک صد و بیست و هفت میلیون ریال، از آنجا که خواسته خواهان از دعاوی مالی بوده و وکیل خواهان تمبر مالیاتی را به طور ناقص ابطال کرده است، با توجه به تبصره ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم، وکالت وکیل خواهان را قابل قبول ندانسته و با استناد به بند ۵ ماده ۸۴ و ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوی صادر کرده که با اعتراض وکیل خواهان، پرونده در شعبه بیست و سوم دادگاه تجدیدنظر استان

مفاد تبصره ذیل ماده ۳۳۶ قانون مدنی استدلال دادگاه مذکور در حذف مطالبه اجرت‌المثل صحیح نیست زیرا با توجه به حاکمیت قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی قانونگذار، برای بانوان در خصوص مطالبه اجرت‌المثل با شرایط مقرر در تبصره ماده مذکور، تأسیس حقوقی جدیدی را وضع نموده و نامبرندگان حتی در زمان ادامه زندگی مشترک بدون درخواست طلاق می‌توانند حقوق مذکور را مطالبه نمایند و دادگاه‌ها برابر نص صریح قانون تکلیف دارند نسبت به آن رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمایند و از طرفی شرط تنصیف مالی در ضمن عقد لازم برقرار شده و زوج تعهد نموده با شرایط مقرر در آن در صورت وجود اموال، تا نصف دارائی خود را به‌زوجه واگذار نماید، از این جهت هیچ تراحمی بین آنها نیست، به همین اعتبار حذف اجرت‌المثل تعیینی از ناحیه دادگاه بدوی توسط دادگاه تجدیدنظر با استدلال فوق توجیه قانونی نداشته است لہذا بنا به مراتب، اعتراض فرجام خواه آقای پیمان ... با وکالت آقای محمد ... نسبت به رأی شماره ۳۲۴ - ۱۳۹۳/۳/۳۱ صادره از شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان با توجه به مندرجات پرونده و رسیدگی‌های به عمل آمده، وارد نیست اساس رأی دادگاه بنا به جهات و دلائل منعکس در پرونده و اظهارات و توضیحات زوجین و وکلای آنان مخالف قانون نمی‌باشد. النہایه با اصلاح رأی صادره و ابقاء اجرت‌المثل تعیین شده برابر رأی دادگاه نخستین مستنداً به مواد ۴۰۳ و ۳۷۷ و ۳۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ رأی فرجام خواسته با اصلاح مذکور نتیجتاً ابرام و پرونده عیناً اعاده می‌گردد.»

به شرحی که گذشت، شعبه اول دیوان عالی کشور به موجب دادنامه ۸۷۹ - ۱۳۹۲/۱۰/۲۸ صادر شده در پرونده ۳۰۰۸۳۹ اعلام کرده است: دادگاه در صورتی می‌تواند در اجرای تبصره الحاقی به ماده ۳۳۶ قانون مدنی برای زن نخله و اجرت‌المثل تعیین کند که سند نکاحیه، فاقد شرط تنصیف باشد و یا ذی‌نفع اجرای آن را درخواست نکند و چون در دادنامه فرجام‌خواسته شوهر را علاوه بر پرداخت اجرت‌المثل، به تنصیف دارایی پیش‌بینی شده در بند الف شرایط ضمن عقد مندرج در سند نکاحیه محکوم کرده‌اند، فرجام‌خواهی را نسبت به تعیین نخله موجه تشخیص داده و با حذف آن، دادنامه فرجام‌خواسته را ابرام کرده ولی شعبه دوازدهم دادنامه ۳۲۴ - ۱۳۹۳/۳/۳۱ شعبه بیستم دادگاه تجدیدنظر را که همانند رأی شعبه اول دیوان عالی کشور، تعیین اجرت‌المثل را ناظر به عدم پیش‌بینی شرط تنصیف یا استنکاف شوهر از اعمال آن دانسته، استدلال به عمل آمده در این مورد را فاقد توجیه قانونی اعلام نموده و با ابقای اجرت‌المثل تعیین شده در رأی دادگاه نخستین، دادنامه فرجام‌خواسته را اصلاح و ابرام کرده که چون از شعب مرقوم به شرح دادنامه‌های صدراالشعار با اختلاف استنباط از تبصره الحاقی مورخه ۱۳۸۱/۵/۹ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۸۵/۱۰/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام به ماده ۳۳۶ قانون مدنی و ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ آراء متهافت صادر کرده‌اند، لذا مستنداً به ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری طرح موضوع را برای صدور رأی وحدت رویه قضایی تقاضا دارد.

معاون قضایی دیوان عالی کشور - حسین مختاری

ب) نظریه دادستان کل کشور

احتراماً، در خصوص پرونده وحدت رویه قضایی شماره ۲۷/۹۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شرح آتی اظهار عقیده می‌گردد:

۱. مبنای شرط تنصیف، قرارداد فی‌مابین زوجین و مبنای اجرت‌المثل یا نخله، استیفاء زوج از خدمات خارج از وظایف شرعی و قانونی زوجه است. از طرف دیگر اعمال هر یک از نهادهای مذکور مستلزم وجود و رعایت شرایط خاص آن است، لذا بر اساس مبنای و شرایط متفاوت حقوق، تعهدات متفاوتی ایجاد می‌گردد که زوجه استحقاق مطالبه آنها را خواهد داشت.

۲. با تصویب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و به تصریح ماده ۵۸ آن قانون، تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق که ناظر بر تراحم حقوق فوق‌الاشعار بود، صراحتاً نسخ گردیده است و بعد از آن در هیچ متن قانونی مانع‌الجمع بودن دو نهاد حقوقی مذکور تصریح نگردیده است، لذا رأی صادره از شعبه دوازدهم دیوان

ب) نظریه نمایندۀ دادستان کل کشور

احتراماً، در خصوص پرونده وحدت رویه قضایی شماره ۲۸/۹۳، به نمایندگی از دادستان محترم کل کشور به شرح آتی اظهار عقیده می‌گردد:

۱. به تصریح تبصره ۱ ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم: «در هر مورد که طبق مفاد این ماده عمل نشده باشد، وکالت وکیل با رعایت مقررات قانون آیین دادرسی مدنی در هیچ یک از دادگاه‌ها و مراجع مزبور قابل قبول نخواهد بود.» حکم مقرر در این تبصره مطلق نیست و اعمال آن مقید به رعایت مقررات قانون آیین دادرسی مدنی شده است.

۲. مطابق ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی: «اگر دادخواست توسط وکیل خواهان تقدیم شود، رونوشت سندی که مثبت سمت دادخواست‌دهنده است به پیوست دادخواست تسلیم دادگاه می‌گردد.» به موجب ماده مذکور وکالتنامه جزء پیوست‌های دادخواست قلمداد شده است.

۳. به موجب ماده ۵۳ قانون یاد شده و بند ۱ آن: «در صورتی که به دادخواست و پیوست‌های آن برابر قانون تمبر الصاق نشده یا هزینه یاد شده تأدیه نشده باشد، دادخواست توسط دفتر دادگاه پذیرفته می‌شود، لکن برای به جریان افتادن آن باید به شرح مواد آتی تکمیل شود» لذا در مورد وکالتنامه وکیل نیز که جزء پیوست‌های دادخواست می‌باشد و برابر قانون تمبر الصاق نشده باشد، باید دادخواست را بپذیریم و فرآیند تکمیل را اعمال نماییم.

۴. به موجب ماده ۵۴ قانون مذکور مدیر دفتر دادگاه مکلف به رفع نقص گردیده است. چنانچه مدیر دفتر به تکلیف کنترل دادخواست صحیحاً عمل ننموده باشد تغییری در وضعیت حقوقی پرونده ایجاد نمی‌گردد و باید برای اعمال فرآیند رفع نقص به دفتر اعاده گردد.

۵. ایراد فقدان سمت دادخواست‌دهنده امری منطبق بر واقع و وارد نیست؛ چرا که سمت وکیل به موجب قرارداد وکالت پیوست دادخواست محرز است و منشأ سمت قرارداد وکالت است نه الصاق تمبر مالیاتی، لذا استناد به بند ۵ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و صدور قرار رد دعوی به لحاظ عدم احراز سمت دادخواست‌دهنده، منطبق بر موازین قانونی نمی‌باشد.

۶. نظریه شماره ۷/۱۲۶۰ مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۵ اداره حقوقی صرف نظر از عدم قابلیت استناد، بر خلاف رویه معمول، مستند به اصل، قاعده و قانون نیست.

۷. رعایت موازین دادرسی عادلانه با پذیرش دادخواست و رفع نقص از آن همسویی دارد؛ چرا که:

اولاً، در تمامی قوانین موضوعه کشور، نسبت به موضوع حضور وکیل در دادرسی‌ها رویکردی فرصت‌مدارانه اتخاذ شده است و محاکم بر فراهم نمودن فرصت حضور وکیل مکلف شده‌اند.

ثانیاً، در رویه قضایی با موارد متعددی روبه‌رو می‌شویم که در میزان تمبر مالیاتی الصاقی، به علل مختلف اختلاف به وجود می‌آید، بعضاً وکلا دعوی را غیرمالی می‌دانند و بر مبنای تشخیص قانونی خویش تمبر مالیاتی قانونی را الصاق و ابطال می‌کنند. عدالت ایجاب می‌کند دادگاه همزمان با اعمال نظر خویش فرصت رفع نقص را فراهم نمایند.

ثالثاً، با فرض تقصیر وکیل، تحمیل مسئولیت به اصیل عادلانه نیست، حال آنکه با عدم تجویز رفع نقص، متضرر اصلی موضوع، اصیل خواهد بود.

رابعاً، واقعیت این است که در موارد بسیاری تمبر مالیاتی وکلا در حوزه‌های قضایی با کمبود مواجه است، از طرف دیگر طرح برخی از دعاوی همچون دعاوی طاری مقید به زمان است و امکان الصاق تمبر مالیاتی به طور کامل مهیا نیست و از اختیار وکیل خارج است با چنین مواردی عدالت ایجاب می‌کند که روندی منطبق با واقعیات اتخاذ نماییم.

۸. نظام حقوقی کشور ما به مانند سایر نظام‌های حقوقی دنیا، با بهره‌مندی از رویکردهای مدیریت‌گرایی، به سمت عقلانی نمودن و منطقی نمودن دادرسی‌ها در حرکت است.

اگرچه این رویکرد آثار نامطلوبی چون ماشینیسم قضایی و آمارگرایی افراطی دارد، اما با توجه به واقعیت‌های موجود در نظام قضایی کشور، کاربست این رویکردها با تعادل‌بخشی لازم با رویکردهای دادرسی عادلانه اجتناب‌ناپذیر است.

خوزستان مطرح شده و این شعبه طی دادنامه ۱۷۷ - ۱۳۹۳/۲/۱۶ به شرح ذیل اتخاذ تصمیم کرده است:

«تجدید نظر خواهی آقای مهرزاد ... با وکالت خانم مریم ... نسبت به دادنامه شماره ۱۳۹۲/۹/۲۶ مورخ ۹۲۰۹۹۷۶۱۷۰۲۰۱۱۳۴ شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی مسجد سلیمان که به موجب آن درباره دعوی نامبرده به طرفیت آقای شاه رضا ... با وکالت خانم سمیه ... به خواسته مطالبه مبلغ یکصد و بیست و هفت میلیون ریال قرار رد دعوی خواهان صادرگردیده است، وارد تشخیص داده می‌شود زیرا وکالت نامه جزو پیوست‌های دادخواست تقدیمی بوده و در صورت عدم الصاق تمبر برابر قانون می‌بایست طبق ماد ۵۳ و ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی رفع نقص می‌شد بنابراین قرار معترض‌عنه صائب دانسته نمی‌شود و مستنداً به ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی ضمن نقض آن، پرونده به دادگاه محترم بدوی جهت ادامه رسیدگی ماهوی اعاده می‌گردد. رأی قطعی است.»

ب) مطابق محتویات پرونده کلاسه ۱۱۸۸ شعبه بیست و یکم دادگاه تجدیدنظر استان مزبور، شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی مسجد سلیمان طی دادنامه ۱۳۹۲/۹/۲۶ - ۱۱۳۳ - ۱۳۹۲/۹/۲۶ وکالت آقای جهانگیر ... از آقای غلام حسین ... در اقامه دعوی به طرفیت آقای حسین ... و خانم معصومه ... به خواسته رفع مزاحمت و رفع ممانعت از حق مقوم به پنجاه میلیون ریال به خاطر ابطال ناقص تمبر مالیاتی با توجه به تبصره یک ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم غیرقابل قبول تشخیص داده و پذیرش دادخواست تقدیمی ایشان را به علت فقدان سمت، صحیح ندانسته و با استناد به بند ۵ ماده ۸۴ و ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد صادر کرده و شعبه بیست و یکم تجدیدنظر استان خوزستان در مقام رسیدگی به اعتراض تجدید نظرخواه به شرح ذیل به صدور دادنامه ۴۳۱ - ۱۳۹۳/۴/۲۹ مبادرت کرده است:

«در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای غلام حسین ... با وکالت آقای جهانگیر ... نسبت به دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۶۱۷۰۲۰۱۱۳۳ مورخه ۱۳۹۲/۹/۲۶ صادره از شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان مسجد سلیمان که به موجب آن تجدیدنظرخواه به طرفیت آقای حسین ... و خانم معصومه ... به خواسته رفع مزاحمت و ممانعت از حق، طرح دعوی نموده است که به لحاظ عدم الصاق تمبر مالیاتی از ناحیه وکیل خواهان به استناد ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ با اصلاحات بعدی قرار رد دعوی خواهان صادر گردیده است. این دادگاه با توجه به محتویات پرونده و امعان نظر و مذاقه در دادنامه موصوف و توجهاً به اینکه وکیل خواهان که به نوعی طرح دعوی به وی محول گردیده است بایستی حسب ماده ۱۰۳ قانون مارالذکر نسبت به الصاق تمبر قانونی اقدام می‌نموده در مانحن‌فیه چنین امری حادث نشده است، لذا وکالتنامه با کیفیت مطروحه فوق‌الاشعار قابل پذیرش نبوده و از جهتی نیز مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۶۰ مورخه ۱۳۷۵/۱۱/۵ در چنین مواردی نیز حتی ضرورتی جهت اخطار رفع نقص از ناحیه دفتر دادگاه نبوده، بر این اساس دادنامه مطابق موازین قانونی اصدار یافته و از نظر شکلی و ماهوی ایراد و خدشه‌ای بر آن احراز نمی‌گردد و تجدیدنظرخواه هم ایراد و دلیلی که موجبات نقض و یا گسیختن ارکان دادنامه را فراهم و ایجاب نماید ارائه و ابراز ننموده است، لذا مستنداً به ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار صادره عیناً تأیید و استوار می‌گردد. رأی صادره قطعی است.»

همان طور که ملاحظه می‌فرمایید شعبه بیست و سوم دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان دادخواست تقدیمی وکیل را علی‌رغم ابطال ناقص تمبر مالیاتی قابل پذیرش دانسته و با نقض قرار معترض‌عنه مقرر کرده تا برای به جریان افتادن آن مطابق مواد ۵۳ و ۵۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب رفتار نماید ولی شعبه بیست و یکم دادگاه تجدیدنظر استان در نظیر مورد، به طور مطلق دادخواست تقدیمی را قابل پذیرش ندانسته و رأی دادگاه بدوی را مورد تأیید قرار داده است که چون به ترتیب مذکور، با اختلاف استنباط از تبصره یک ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم که تصویر آن ضمیمه شده است، آراء متهاافت صادر شده است لذا با استناد به ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری طرح موضوع را برای صدور رأی وحدت رویه قضایی درخواست می‌نماید.

معاون قضایی دیوان عالی کشور - حسین مختاری

استان لرستان به‌خواسته مطالبه دیه و ارش‌های متعلقه به شرح گواهی پزشکی قانونی به میزان ده درصد دیه کامل به نرخ یوم‌الاداء مقوم به مبلغ دوپست‌وسی میلیون ریال اقامه دعوی کرده و توضیح داده است: موکل در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۲ در حالی که رانندگی اتومبیل پژو سواری را بر عهده داشته، به علت بی‌احتیاطی دچار سانحه و مصدوم شده است و چون وسیله نقلیه مذکور، طبق قرارداد ۱۳۹۳/۵/۱/۱۲۱/۳۳۵۸۹/۳۷۱۴ تحت پوشش بیمه شخص ثالث و حوادث راننده مسبب حادثه بیمه ایران قرار داشته و شرکت بیمه از ایفای تعهدات موضوع قرارداد مرقوم امتناع می‌کند لذا محکومیت خواننده به پرداخت دیه و ارش به میزان مذکور را درخواست می‌نماید.

پرونده برای رسیدگی و صدور حکم در شعبه هفتم دادگاه عمومی حقوقی خرم‌آباد مطرح و پس از خاتمه بررسی، با توجه به اینکه مطابق بند «ب» ماده ۱۱۵ و ماده ۲۲۶ قانون برنامه پنجم توسعه، وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف گردیده نسبت به بیمه شخص ثالث، در مورد راننده، همچون سرنشین، بیمه شخص ثالث را اعمال نماید و احکام و قوانین مغایر با آن، موقوف‌الاجراء گردیده و نیز در ماده ۳ قانون بیمه اجباری خسارت وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ بر پرداخت خسارت بدنی به راننده مسبب حادثه تصریح و تأکید گردیده است بنابراین شرکت بیمه علاوه بر پرداخت غرامت نقص عضو و فوت، مکلف به پرداخت خسارت بدنی به راننده مسبب حادثه نیز می‌باشد لذا دعوی را طی دادنامه ۱۳۹۷/۴/۵ - ۷۰۰۲۹۳ موجه دانسته و حکم به پرداخت ده درصد دیه کامل مرد مسلمان بابت شکستگی فشاری ستون فقرات در محل مهره سوم کمری موضوع گواهی پزشکی قانونی استان لرستان و پرداخت مبالغی با عناوین هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل در حق خواهان صادر کرده است.

شعبه پنجم دیوان‌عالی‌کشور به موجب دادنامه ۹۰۰۶۳ - ۱۳۹۷/۷/۷ در مقام رسیدگی فرجامی دادنامه شعبه هفتم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان خرم‌آباد را به شرح ذیل نقض کرده است:

«فرجام‌خواهی وارد و رأی فرجام‌خواسته برخلاف مقررات و موازین قانونی صادر شده است زیرا قرارداد بیمه خودرو (بیمه‌نامه شماره ۱۳۹۳/۵/۱ / ۱۲۱/۳۳۵۸۹/۳۷۱۴ شرکت بیمه ایران نمایندگی شماره ۱۲۱ خرم‌آباد) در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۴ تنظیم شده و مشمول قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث [ناشی] از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ و ماده ۳ قانون مذکور نمی‌گردد و قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶ در مورد آن حاکمیت دارد لذا به لحاظ صراحت تبصره ۶ ماده یک قانون یاد شده «منظور از شخص ثالث هر شخصی است که به سبب حوادث وسایل نقلیه موضوع این قانون دچار زیان‌های بدنی یا مالی شود به استثنای راننده مسبب حادثه.» بنا به مراتب مذکور، بیمه حوادث راننده مقصر در حدود قرارداد بین شرکت بیمه (بیمه‌گر) و بیمه‌گذار باید اجرا گردد که با توجه به بیمه‌نامه مذکور و آیین‌نامه شماره ۶۷ شواری‌عالی‌بیمه (بند ۲ - آیین‌نامه) که هیئت تخصصی بیمه کار و تأمین اجتماعی دیوان عدالت اداری آن را مغایر قانون ندانسته زیرا مطالبه دیه در خصوص جنایت راننده مسبب حادثه است که در مانحن‌فیه مصداق ندارد و پرداخت خسارت مستلزم قرارداد است و بند ب ماده ۱۱۵ قانون برنامه پنج ساله توسعه پنجم نیز ارتباطی به این موضوع ندارد و صرفاً وزارت امور اقتصادی و دارایی را مکلف نموده نسبت به بیمه‌نامه شخص ثالث در مورد راننده همچون سرنشین بیمه شخص ثالث را اعمال نماید اما اجرای آن منوط به قرارداد بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار است ... بنا به مراتب فوق خواهان استحقاق مطالبه دیه را ندارد و مطالبه خسارت براساس قرارداد شامل بیمه‌نامه مذکور نمی‌شود لذا به استناد بند ۲ ماده ۳۷۱ و بندج ماده ۴۰۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی رأی فرجام‌خواسته را نقض و رسیدگی مجدد به پرونده به احد از شعب محترم دادگاه‌های حقوقی شهرستان خرم‌آباد (شعبه هم‌عرض) ارجاع می‌گردد.»

در موضوع مطروحه، صدور قرار رد دعوی پس از صرف توان و وقت سیستم قضایی و تحمیل هزینه‌های بلاوجه زیاد بر کشور، با روند عقلانی نمودن دادرسی‌ها و رویکردهای نظام حقوقی کشور سازگار نیست.

۹. آراء وحدت رویه شماره‌های ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴ و ۸۲۵ مورخ ۱۳۹۵/۹/۳۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری متضمن پذیرش رفع نقص در موضوع، علی‌رغم الزام‌آور نبودن در مراجع قضایی، بر شکل‌گیری رویه قضایی غالب در محاکم کشور منطبق با آن نظر، تأثیر به‌سزایی نهاده است، لذا رأی صادره از شعبه بیست و سوم دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان در فرض مطروحه، منطبق بر اصول موازین قانونی تشخیص داده می‌شود.

ج) رأی وحدت رویه شماره ۷۸۰-۱۳۹۸/۷/۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مطابق ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم و تبصره یک بند «د» آن و مقررات مواد ۵۳، ۵۴ و ۵۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، وکلای دادگستری موظفند وکالت‌نامه خود را پس از الصاق و ابطال تمبر مالیاتی به میزان مقرر در قانون، پیوست دادخواست به دادگاه تسلیم نمایند. در صورت عدم انجام این امر، دادخواست توسط دفتر دادگاه پذیرفته می‌شود لکن برای به جریان انداختن آن مدیر دفتر نقایص دادخواست را به خواهان اطلاع داده و طبق قانون رفتار خواهد کرد؛ بنابراین رأی شعبه بیست و سوم دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان در حدی که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در موارد مشابه برای کلیه شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شماره ۱۱۰/۱۵۲/۱۰۹۹۰

۱۳۹۸/۸/۸

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور

گزارش پرونده وحدت رویه ردیف ۳۶/۹۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با مقدمه و رأی شماره ۷۸۱ - ۱۳۹۸/۶/۲۶ به شرح ذیل تنظیم و جهت انتشار ارسال می‌گردد. معاون قضائی دیوان عالی کشور - ابراهیم ابراهیمی

مقدمه

جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده وحدت رویه ردیف ۳۶/۹۸ در ساعت ۸:۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۸/۶/۲۶ به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سیداحمد مرتضوی مقدم رئیس محترم دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای محمد علمی نماینده محترم دادستان کل کشور و شرکت آقایان رؤسا، مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب دیوان‌عالی‌کشور، در سالن هیأت عمومی تشکیل شد و پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت‌کننده در خصوص مورد و استماع نظر نماینده دادستان محترم کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می‌گردد، به صدور رأی وحدت رویه قضایی شماره ۷۸۱ - ۱۳۹۸/۶/۲۶ منتهی گردید.

الف) گزارش پرونده

احتراماً معروض می‌دارد، به دلالت دادنامه‌های پیوست، از شعب پنجم و دهم دیوان‌عالی‌کشور، با استنباط متفاوت از مقررات قانون بیمه اجباری خسارت وارد شده به اشخاص ثالث در اثر حوادث رانندگی آراء مختلف صادر شده است که جریان امر به شرح ذیل گزارش می‌شود:

الف) به حکایت پرونده شماره ۹۷۱۱۲۳ شعبه پنجم دیوان‌عالی‌کشور آقای هدایت ... با وکالت آقای محسن ... به طرفیت سرپرستی شرکت بیمه ایران در

ب) نظریه نمایندگی دادستان کل کشور

احتراماً، در خصوص پرونده وحدت رویه قضایی شماره ۳۶/۹۸، به نمایندگی از دادستان محترم کل کشور به شرح آتی اظهار عقیده می‌گردد:

۱. مقتن در بند ب ماده ۱۱۵ قانون برنامه پنجم توسعه، با استفاده از واژه «اعمال» در معانی به کاربردن و به کار واداشتن، مفهومی آمرانه را تبیین نموده است و قاعده مطروح در آن آمره می‌باشد.

۲. تبصره ۶ ماده ۱ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری، مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷ که به صراحت راننده مسبب حادثه را از شمول شخص ثالث خارج نموده است. به موجب بند ب ماده ۱۱۵ قانون برنامه پنجم توسعه در چارچوب ماده ۲۲۶ همان قانون، در مدت زمان اجرای برنامه پنجم توسعه موقوف‌الاجرا گردیده، راننده مسبب حادثه را در حکم ثالث قرار داده است.

۳. در زمان حاکمیت قانون برنامه پنجم توسعه، وسیله نقلیه به موجب بیمه‌نامه موجود، تحت بیمه اجباری شخص ثالث قرار گرفته است و برای شمول بیمه‌نامه مذکور بر راننده مسبب حادثه، نیازی به قرارداد بیمه دیگری نمی‌باشد و وجود بیمه‌نامه شخص ثالث مذکور کفایت تعلق حکم قانون را می‌نماید.

۴. تصویب آیین نامه ۶۷ از ناحیه شورای عالی بیمه و تغییر در مقصود قانون‌گذار و تحدید در دایره شمول، نمی‌تواند حقی را که به موجب قانون به طور مطلق ایجاد و تضمین شده است را ضایع سازد.

۵. لذا در محدوده زمانی اعمال قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، با شمول شخص ثالث بر راننده مسبب حادثه، حق بهره‌مندی کلی وی به موجب قانون ایجاد شده است و با تنظیم قرارداد بیمه، تکلیف شرکت بیمه به جبران کلیه خسارات بدنی وی، استقرار عینی و مصداقی یافته است. بنابراین رأی صادره از شعبه محترم دهم دیوان عالی کشور منطبق با موازین قانونی و قابل تأیید است.

ج) رأی وحدت رویه شماره ۷۸۱-۱۳۹۸/۶/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه مقررات بند (ب) ماده ۱۱۵ قانون «برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران» مصوب سال ۱۳۸۹ وزارت امور اقتصادی و دارایی را مکلف کرده است در مورد راننده وسیله نقلیه همچون سرنشین، بیمه شخص ثالث را اعمال نماید و با توجه به اینکه طبق بند (الف) ماده ۱ «قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» مصوب سال ۱۳۹۵ خسارت بدنی شامل هر نوع صدمه به بدن ولو منتهی به نقص عضو و فوت نشود می‌گردد و با عنایت به اینکه به موجب حکم مقرر در ماده ۶۵ این قانون احکام موضوع مواد مصرح در آن ماده نسبت به بیمه‌نامه‌های صادره پیش از لازم‌الاجرا شدن قانون که خسارات تحت پوشش آنها پرداخت نشده نیز لازم‌الرعايه است؛ بنابراین حکم این ماده با توجه به اطلاق آن نسبت به بیمه‌نامه‌های موضوع بند (ب) ماده ۱۱۵ قانون مورد اشاره نیز که بعد از تصویب آن قانون تنظیم شده ولی خسارات بدنی راننده پرداخت نگردیده قابل تسری و تعمیم است. بر این اساس رأی شعبه دهم دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر انطباق دارد صحیح و موافق قانون تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ب) طبق محتویات پرونده ۹۸۰۱۹۱ شعبه دهم دیوان عالی کشور، خانم اکرم ... با وکالت آقای مصطفی ... دادخواستی به طرفیت بیمه کوثر به خواسته الزام به ایفای تعهدات قانونی و قرارداد مبنی بر پرداخت خسارات و غرامات دیه و ارش به نرخ روز مقوم به ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به دادگاه‌های عمومی حقوقی مشهد تقدیم کرده و در متن دادخواست توضیح داده است: موکل در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۲۲ در محور چناران به مشهد با رانندگی یک دستگاه خودرو پراید به شماره انتظامی ... ایران ۱۲ به علت برخورد با یک دستگاه کامیون واژگون و در حالی که صد درصد مقصر بوده به شدت مصدوم می‌شود. با توجه به اینکه اتومبیل وی، حین تصادف طی بیمه نامه شماره ۹۴/۱۰۱/۱۳۳۳، تحت پوشش شرکت بیمه کوثر بوده ولی شرکت مذکور بدون توجه به مقررات بند «ب» ماده ۱۱۵ قانون برنامه پنجم توسعه از پرداخت خسارات خودداری می‌کند. دعوی برای رسیدگی به شعبه یازدهم ارجاع شده و شعبه مرجوع‌الیه پس از استماع اظهارات خواهان و مدافعان نماینده شرکت خوانده مبنی بر عدم استحقاق موکله خواهان به علت تنظیم قرارداد بیمه در سال ۱۳۹۴ و اینکه شخص ثالث محسوب نمی‌شود و مطابق آیین‌نامه شماره شصت و هفت، شرکت خوانده، صرفاً در قبال فوت و یا نقص عضو راننده مسبب حادثه مسئولیت دارد و موضوع خواسته، از این موارد خارج است، ختم رسیدگی را اعلام و به شرح دادنامه ۱۷۲۶-۱۳۹۷/۱۲/۲۸ به استناد اینکه آیین‌نامه شماره ۶۷ شورای عالی بیمه در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری رسیدگی شده و دیوان مذکور شکایت را رد کرده است و در مورد پرداخت بیمه حادثه، توسط خواهان وجهی پرداخت نشده است و اینکه بند «ب» ماده ۱۱۵ قانون برنامه پنجم توسعه کشور، نظر به پرداخت دیه و ارش به موجب حادثه ندارد، دعوی خواهان را غیر وارد تشخیص و به علت خارج بودن آن از شمول مقررات ماده اخیرالذکر مردود اعلام کرده است.

وکیل خواهان از این حکم فرجام‌خواهی کرده است که در شعبه دهم دیوان عالی کشور مطرح و طی دادنامه ۳۳۳ - ۱۳۹۸/۴/۳۰ به شرح ذیل اتخاذ تصمیم کرده‌اند:

«ولاً آراء هیأت عمومی و وحدت رویه دیوان عدالت اداری به استناد مواد ۸۹ و ۹۰ قانون دیوان عدالت اداری برای محاکم دادگستری لازم‌الاتباع نمی‌باشد و برابر اصول ۱۶۶ و ۱۶۷ قانون اساسی قضات دادگاه‌ها مکلفند مطابق قوانین مدونه حکم هر قضیه را صادر نمایند و آراء وحدت رویه مذکور صرفاً برای قضات محترم همان دیوان و مراجع اداری لازم‌الاتباع است. ثانیاً به منظور حمایت از رانندگان آسیب‌دیده بند «ب» ماده ۱۱۵ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه به تصویب رسیده است و این قانون آمره به حکایت عموم و اطلاق آن شامل انواع آسیب‌های بدنی ولو اینکه منتهی به نقص عضو یا فوت نباشد می‌گردد. ثالثاً اجرای قانون مذکور منوط به تصویب آیین‌نامه اجرایی نمی‌باشد و بر فرض تصویب، چنانچه مخالف عموم و اطلاق قانون باشد قانون حاکم و مجری است. رابعاً اینکه بیمه‌نامه مأخوذه توسط فرجام‌خواه از نظر قانون کفایت حادثه مورد دعوی را می‌نماید. خامساً با توجه به مراتب فوق لازم است دادگاه با مطالبه و اخذ خلاصه از پرونده کیفری مربوط و عنداللزوم جلب نظر کارشناس تصادفات و ارجاع امر به پزشکی قانونی مبادرت به صدور رأی نماید. بنا به مراتب اشعاری دادنامه فرجام‌خواسته که برخلاف مبانی اشعاری صادر گردیده است، مستنداً به بند ۲ و ۳ و ۵ ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی نقض و در اجرای بند الف ماده ۴۰۱ قانون مرقوم پرونده جهت رسیدگی به شعبه صادرکننده رأی محول می‌گردد.»

با این ترتیب، چون از شعب مختلف دیوان عالی کشور به شرح مذکور در فوق به موجب دادنامه‌های صدرالاشعار با تفاوت استنباط از مقررات بند «ب» ماده ۱۱۵ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ و مقررات قانون بیمه اجباری خسارت وارده به شخص ثالث در اثر حوادث رانندگی آراء مختلف صادر شده است لذا به استناد ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بررسی موضوع اختلاف و اتخاذ تصمیم قانونی را تقاضا دارد.

معاون قضایی دیوان عالی کشور - حسین مختاری